

۳
افقمأموریت در ریاض
سفر لاریجانی به عربستان۵
تماشاسینماگر تمام و کمال
رابرت ردفورد درگذشت۶
توسعهریشه‌های خوش‌بینی
درباره امیدواری محمدرضا فرزین۶
توسعه

موفقیت تاریخی هلدینگ خلیج فارس

هلدینگ خلیج فارس در رتبه‌بندی بین‌المللی
بر سکوی دوازدهم جهان ایستاد

سرمقاله

قدر فرصت‌ها را بدانیم

سرردگمی راهبردی
خطرناک‌تر از مکانیسم ماشه است

محسن هاشمی‌رفسنجانی

رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

چندی پیش در گفت‌وگو با سیما، گلایه‌ای را نسبت به کم اهمیت دانستن مکانیسم ماشه توسط بعضی از مقامات کشوری طرح کردم، خوشبختانه در هفته اخیر براساس توصیه مقام معظم رهبری برای عبور از شرایط بلا تکلیفی نه جنگ و نه صلح، تحرکات مثبتی در سیاست خارجی از جمله توافق با مدیرکل آژانس در مصر را در جهت جلوگیری از اجرایی شدن مکانیسم ماشه شاهد بودیم.

اما باید توجه داشت که این تحرکات بدون یک توافق مطمئن برجامی با سه کشور اروپایی از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی جلوگیری نکرده بلکه می‌تواند چند ماهی آن را به عقب بیندازد و فرضاً هم اگر جلوگیری کند، بدون توافق جامع با آمریکا، مانع بلا تکلیفی که اخیراً رهبری از آن گفتند و تحرکات تروریستی و حمله احتمالی مجدد اسرائیل به ایران نخواهد شد.

علاوه برای ضرورت تقویت قدرت ملی، معیشت مردم و ایجاد فضای کار و امید باید دید مطالبات سه کشور اروپایی از ایران جهت فعال نکردن مکانیسم ماشه در مهلت سه هفته‌ای باقیمانده چیست و آیا حاضریم امتیازات بدهیم:

در پرونده هسته‌ای ایران ۴ موضوع کلیدی وجود دارد: ۱- بازرسی از سایت‌های آسیب دیده. ۲- تعیین تکلیف ۴۰۰ کیلو اورانیوم ۶۰ درصد. ۳- برگشت کامل به برجام. ۴- مذاکرات با آمریکا، البته متن توافق آقای عراقچی با مدیرکل آژانس به صورت کامل منتشر نشده اما احتمالاً محدود به همان بازرسی‌های عادی و ۴۰۰ کیلوگرم است و شامل دو مورد دیگر نمی‌شود. دیدگاهی در کشور وجود دارد که معتقد است اگر ما ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد را رقیق کنیم یا در مسیر قذافی گذاشتیم که ۲۲ سال قبل تجهیزات و مواد هسته‌ای خود را سوار کشتی کرد که از حمله آمریکا جلوگیری کند بنابراین تصمیم‌گیری در مورد دو امتیاز دیگر مد نظر اروپا برای جلوگیری از اجرای مکانیسم ماشه که خارج از تعهدات ایران در NPT و آژانس، سخت و تحقق آن ظرف سه هفته آینده دشوار است.

اما اگر بر فرض هم این تصمیم سخت گرفته شد در این مذاکره با آژانس باز هم مسیری برای گرفتن امتیازات متقابل وجود ندارد چرا که لغو تحریم‌های یکجانبه آمریکا و ارائه تضمین امنیتی به ایران برای جلوگیری از حمله مجدد آمریکا و اسرائیل، کف خواسته‌های منطقی ایران است که آژانس و اروپا اختیاری نسبت به آن ندارد.

در واقع امتیاز را به اروپا و آژانس می‌دهیم و توقع امتیازگیری از آمریکا داریم، این روش بدترین نتیجه را برای ایران و بهترین نتیجه را برای اسرائیل و آمریکا به همراه می‌آورد زیرا بدون آنکه امتیاز و تعهدی بدهند به بخشی از خواسته‌هایشان می‌رسند.

لذا به نظر می‌رسد در این شرایط نیاز به یک راهبرد جامع و متفاوت داریم که با همین برگ‌های باقی‌مانده بتوانیم به نتیجه‌ای موفق از مسیر دیپلماسی برسیم و کشور را از تهدیدات و تحریم‌های کنونی رها کنیم.

کف نیازهای کشور برای حل مشکلات معیشتی و حرکت کشور در مسیر توسعه لغو تحریم‌ها و اخذ تضمین محکم برای اجرای واقعی برجام و جلوگیری از حمله مجدد است و اگر بدون تحقق این مطالبات، امتیازاتی به طرف‌های مقابل بدهیم، مسیری را خواهیم رفت که صدام در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ رفت و به تدریج امتیازاتی را داد که منجر به توافقی نشد و سرانجام هم در سال ۲۰۰۳ مورد حمله قرار گرفت.

| ادامه در صفحه ۳



مهاجرت

نفر اول کنکور

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت می‌گوید: اغلب صد نفر اول کنکور رشته‌های علوم پزشکی پس از ورود به دانشگاه، به دلیل فقدان فرصت‌ها و نبود شایسته‌سالاری، از ایران می‌روند

سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



پرستار به ازای هر هزار نفر ثبت شده که تصف استاندارد سازمان جهانی بهداشت (۳ پرستار به ازای هر هزار نفر) است. کمبود نیروی انسانی فشار زیادی بر نظام سلامت وارد می‌کند و زمینه را برای خروج نخبگان فراهم می‌کند. از جمله آنکه بیش از ۱۰ هزار پزشک و پرستار در سال ۲۰۲۲ از ایران مهاجرت کردند. از این تعداد ۳-۴ هزار متخصص بودند و حتی شاخه‌های پر درآمد مانند توانبخشی نیز افزایش چشمگیر خروج داشته‌اند.

همزمان سالانه بیش از سه هزار پرستار کشور را ترک می‌کنند؛ شورای پرستاری تخمین می‌زند که ۷۰ هزار پرستار دیگر نیز برای رسیدن به استانداردها نیاز است. در ۸ ماه منتهی به بهمن ۱۴۰۲ حدود ۴۵۰۰ پزشک و پرستار درخواست مهاجرت دادند و سال قبل از آن ۷۰۰۰ نفر این کار را انجام دادند. رئیس سازمان نظام پرستاری چندی پیش اعلام کرد مهاجرت پرستاران به ۲۵۰۰ نفر در سال رسیده و ممکن است به ۵۰۰۰ نفر در سال افزایش یابد؛ او گفت روزانه بین ۵-۶ پرستار کشور را ترک می‌کنند. وی افزود که ۲۰ درصد ظرفیت ورودی دانشکده‌های پرستاری عملاً برای مهاجرت برنامه‌ریزی می‌کنند. مقصدهای اصلی مهاجرت برای پزشکان و پرستاران آلمان، ایتالیا، کانادا، عمان، امارات و قطر گزارش شده است.

تمایل به مهاجرت در میان دانشجویان و روزیدنت‌ها

بر اساس مطالعه‌ای که در مجله BMC Medical Education منتشر شد ۵/۸۱ درصد روزیدنت‌های پزشکی ایرانی در صورت فراهم شدن فرصت، قصد مهاجرت دارند و ۵/۷۹ درصد گفته‌اند اگر از شرایط دوره دستیاری آگاه بودند، ترجیح می‌دادند مهاجرت کنند. تنها ۱۵ درصد از پزشکان و پرستاران اعلام کردند که قصد ماندن دارند، در حالی که ۴۰ درصد برنامه مهاجرت داشتند و ۱۸ درصد ماندن را به تعویق انداخته‌اند. مهم‌ترین دلایل این گروه «درآمد نامتناسب با کار»، «بهبود رفاه اجتماعی در خارج»، «قوانین ناعادلانه» و «فقدان فرصت‌های پژوهشی» بوده است.

چرا می‌روند؟

اغلب پزشکان جوان، پرستاران و حتی اساتید دانشگاه از حقوق دریافتی خود ناراضی‌اند. پرستاران می‌گویند متوسط درآمد ماهیانه ۱۴-۱۵ میلیون تومان است در حالی که هزینه‌های زندگی، اجاره و تورم چند برابر این رقم است. پزشکان متخصص به ویژه در رشته‌های جراحی پس از سال‌ها تحصیل، انتظار درآمد بالاتری دارند. تورم و کاهش ارزش ریال باعث می‌شود، درآمدهای داخلی فاقد قدرت خرید مناسب باشند. در مقابل کشورهای مقصد درآمد به

سahین آخوندزاده، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با ایسنا هشدار داد که دولت در جذب و نگهداشت استعدادهای نخبه در رشته‌های علوم پزشکی موفق نبوده و اغلب ۱۰۰ نفر اول کنکور رشته‌های علوم پزشکی پس از ورود به دانشگاه به دلیل فقدان فرصت‌ها و نبود شایسته‌سالاری، مهاجرت می‌کنند. او با اشاره به تجربه خود از بازگشت دانش‌آموختگان علوم پایه، بیان کرد که متخصصان بالینی به‌ویژه پزشکان جراح مغز و اعصاب که در کشورهای توسعه‌یافته کار می‌کنند به ندرت بازمی‌گردند. این سخنان در شرایطی بیان شد که کشور با کمبود پزشک، پرستار و نیروی متخصص مواجه است و فشار کاری بر کارکنان باقی‌مانده به مرز بحران رسیده است. به اضافه اینکه مطابق با اعلام قائم مقام وزیر بهداشت حدود ۶۰ درصد آنهایی که می‌مانند و وارد دانشگاه می‌شوند همه سهمیه‌ای هستند!

ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۱/۴ پزشک به ازای هر هزار نفر جمعیت داشت؛ این میزان کمتر از میانگین کشورهای توسعه‌یافته است. برای پرستاران، سال ۲۰۱۸ نسبت ۱/۶

دولت

خبر خوش عارف

از امضای تفاهم‌نامه برای تأمین مسکن و ارتقای بیمه سینماگران تا تخصیص اعتبار برای حل مشکل کاغذ



معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه شورای عالی سینما بر اهمیت ارتقای جایگاه سینما و بازگشت هنرمندان ایرانی خارج از کشور تأکید کرد و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست، زمینه بازگشت آنها را فراهم کند. محمدرضا عارف روز گذشته در جلسه شورای عالی سینما با اشاره به اینکه این شورا باید مسائل جزیی اما تاثیرگذار سینماگران را با همکاری دستگاه‌های مرتبط حل کند، گفت: «هدف ما ارتقای جایگاه سینما و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی چند هزار ساله ملت ایران است».

عارف با یادآوری نقش سینما در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن تصریح کرد که آثار سینمایی و مستند این دوران نشان داد، سینما می‌تواند نهاد مهمی در تقویت فرهنگ، انسجام اجتماعی و روایت اقتدار ملی باشد. او افزود: «سینماگران باید روایتگر اقتدار ملی ایران باشند و تجربه‌های ارزشمند تاریخی کشور را ثبت و مستندسازی کنند». معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت حل آسیب‌های اجتماعی از سینماگران خواست، ایده‌ها و برنامه‌های خود را برای کمک به جامعه ارائه دهند و شورای عالی سینما نیز راهبردها و برنامه‌های ۱۰ ساله‌ای برای این حوزه تهیه کند. او همچنین به اهمیت تعامل فرهنگی با کشورهای منطقه و جهان تأکید کرد و گفت این همکاری‌ها می‌تواند، زمینه‌های بازگشت هنرمندان ایرانی و افزایش حضور فرهنگی ایران در منطقه را فراهم کند.

عارف درباره شرایط هنرمندان خارج از کشور گفت: «برخی از آنها با مشکلات جدی زندگی و کار مواجه هستند و در کشورهای دیگر مجبورند در آثار کم کیفیت فعالیت کنند، در حالی که در ایران می‌توانستند با افتخار و عزت کار کنند». به همین دلیل معاون اول رئیس‌جمهور از وزارت فرهنگ و ارشاد خواست مشکلات بازگشت هنرمندان را حل و زمینه حضور دوباره آنها به ایران را فراهم کند.

در این جلسه، دو تفاهم‌نامه مهم نیز امضا شد: یکی برای تأمین مسکن سینماگران و دیگری برای ارتقای کیفیت بیمه آنها با مشارکت وزارت راه و شهرسازی و سازمان تأمین اجتماعی. همچنین رئیس سازمان امور سینمایی، گزارشی از اقدامات دولت ارائه داد که شامل تشکیل کارگروه تخصصی شورای عالی سینما، افزایش تولید مستند و فیلم‌های کوتاه، احداث سینما در شهرهای بزرگ و تسهیل دریافت مالیات سینماگران بود. در کنار این، برنامه‌ریزی برای مستندسازی جنگ ۱۲ روزه و حمایت از آثار سینمایی با موضوعات فرهنگی و اجتماعی تصویب شد.

عارف همچنین در جلسه پیگیری مشکلات حوزه کاغذ به اهمیت توجه دولت به مسائل فرهنگی اشاره کرد و از تخصیص ۴۰ میلیون دلار برای حل مشکل کاغذ مطبوعات و نشر خبر داد. او گفت: «حل این مشکل نه تنها مطالبه اصحاب رسانه است بلکه خواسته رئیس‌جمهور و نشانه توجه دولت به اهمیت مسائل فرهنگی در کشور است». معاون اول رئیس‌جمهور تأکید کرد که برنامه‌ریزی برای تهیه کتاب‌های درسی و کاهش قیمت لوازم‌التحریر با کیفیت ادامه خواهد یافت و عرضه محصولات ارزان و مناسب در اولویت است.

او همچنین از وزارت فرهنگ و ارشاد خواست تا تخصیص ارز و ارائه تسهیلات ریالی برای حل مشکلات حوزه کاغذ و نشر با سرعت بیشتری پیگیری شود تا مطبوعات، نشر و دانش‌آموزان از کمبود و گرانی کاغذ آسیب نبینند.

فرار افراطیون از محاکمه

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه می‌گوید به جای استیضاح عراقچی، باید تندروهای مجلس محاکمه شوند



بی‌مورد، مسیر نظارتی خود را طی کنند، یعنی اسناد بخواهند، توضیح بخواهند و در نهایت اگر قانع نشدند طبق قانون اقدام کنند. اما دامن زدن به فضای بی‌اعتمادی بدون سند، هزینه‌اش برای کل کشور خواهد بود.

سیدعباس عراقچی سال‌هاست در پرونده‌های حساس دیپلماسی هسته‌ای فعال است. تجربه نشان داده او نه اهل شعارهای توخالی است و نه تصمیم‌های بدون هماهنگی می‌گیرد. حتی منتقدان جدی او هم کمتر توانسته‌اند مورد شخصی از خطای حقوقی یا تخلف آشکار از او ارائه دهند. طبیعی است که چنین دیپلماتی، تصمیم‌هایش را با هماهنگی مراجع بالادست بگیرد. پس اگر اعتراضی هم باشد باید متوجه کل سازوکار تصمیم‌گیری شود نه فقط شخص وزیر.

در چنین شرایطی افکار عمومی نیز انتظار دارد، مسئولان به جای شعار و جنجال بر سر منافع ملی به تفاهم برسند. وقتی مردم هر روز خبر اختلاف میان دولت و مجلس را می‌شنوند، احساس می‌کنند دستگاه‌های مختلف به جای هماهنگی برای عبور از بحران، سرگرم جدال درونی هستند. این خودش می‌تواند به سرمایه اجتماعی کشور آسیب بزند. در شرایطی که فشارهای خارجی زیاد است چنین فضایی کمکی به منافع ملی نمی‌کند.

اعتراض یا نمایش؟

با کنار هم گذاشتن همه این موارد، روشن است که بخش بزرگی از اعتراض‌های این روزهای مجلس بیشتر نمایشی است تا یک اعتراض جدی. اگر واقعا مسأله‌ای حیاتی وجود داشت، نمایندگان می‌توانستند از ابزارهای قانونی خود برای پیگیری استفاده کنند اما وقتی نه استیضاحی در کار است، نه گزارشی از تخلف منتشر می‌شود و نه سندی ارائه می‌شود، نتیجه‌ای جز این نمی‌توان گرفت که این اعتراض‌ها بیشتر برای مصرف سیاسی و جناحی است. به بیان دیگر، دولت و دستگاه دیپلماسی در این توافق به دنبال کاهش خطر و خریدن زمان برای کشور هستند، در حالی که بخشی از مخالفان، بیشتر به فکر نمایش سیاسی هستند. در نهایت اما افکار عمومی قضاوت خواهد کرد که کدام رویکرد به نفع کشور است.

گزارشی قطعی درباره تخلف یا امتیازدهی یک‌طرفه منتشر نکرد. این یعنی بیشتر نگرانی‌ها بر پایه حدس و گمان است.

چرا استیضاح نمی‌کنند؟

سؤال اینجاست که اگر برخی نمایندگان واقعا معتقدند عراقچی خط قرمزهای ملی را زیر پا گذاشته چرا طرح استیضاح وزیر خارجه را ارائه نمی‌دهند؟ استیضاح در اختیار مجلس است و مسیر قانونی مشخصی دارد. اما تجربه نشان داده، وقتی موضوعی از مسیر شورای عالی امنیت ملی عبور کرده و تأیید گرفته، استیضاح عملاً به معنای تقابل با تصمیم حاکمیت خواهد بود. نمایندگان هم این موضوع را خوب می‌دانند. برای همین ترجیح می‌دهند به جای ورود به یک جدال پرهزینه و بی‌نتیجه فقط در تریبون‌ها و شبکه‌های اجتماعی سروصدا کنند. به نظر می‌رسد، بخشی از ماجرا هم اصلاً ربطی به توافق قاهره ندارد و این اعتراض‌ها بیشتر رنگ‌وبوی سیاسی و جناحی گرفته است. هر گروهی تلاش می‌کند، خود را مدافع سرسخت منافع ملی نشان دهد و رقیب را به امتیازدهی متهم کند. این روش ساده‌ای برای جلب توجه افکار عمومی است بدون اینکه الزاماً مبتنی بر اسناد یا واقعیت باشد.

منافع ملی در کجاست؟

منافع ملی امروز ایران در این است که جلوی صدور قطعنامه‌های سخت‌تر گرفته شود و فضای تنفس اقتصادی-سیاسی کشور محدودتر نشود. توافق قاهره دقیقاً در همین راستا عمل می‌کند. اگر کسی با متن توافق مخالف است باید سند بیاورد و مسیر قانونی را طی کند. اما وقتی فقط به جنجال اکتفا می‌شود به نظر می‌رسد، هدف اصلی بیشتر فشار سیاسی و جنجال انتخاباتی است تا دغدغه واقعی. نباید فراموش کرد که منافع ملی نه در جاروجنجال‌های سیاسی که در حفظ ثبات و امنیت کشور تعریف می‌شود. توافق قاهره هر چه باشد، در شرایطی که فشارهای خارجی بر کشور کم نیست یک دستاورد مهم به حساب می‌آید. منتقدان اگر واقعا نگران منافع ملی هستند، بهتر است به جای ایجاد فضای بی‌اعتمادی و فشار

عاطفه شمس

گروه سیاسی



توافق اخیر ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره همان‌طور که انتظار می‌رفت به سرعت به موضوعی پرحاشیه در مجلس شورای اسلامی بدل شد. گروهی از نمایندگان با صدای بلند نسبت به آنچه «ابهامات توافق» می‌خوانند، هشدار دادند و حتی پا را فراتر گذاشته از استیضاح وزیر امور خارجه سخن گفتند. این در حالی است که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه بعد از سفر قاهره، توضیح داد که این توافق فقط برای ادامه همکاری‌های حداقلی با آژانس است تا پرونده ایران دوباره به بحران کشیده نشود، شورای عالی امنیت ملی هم متن توافق را بررسی و تأیید کرده است. این یعنی تصمیم‌گیر، تصمیم شخصی نبوده بلکه محصول یک روند نهادی و جمعی است. چنین توافق‌هایی معمولاً برای خرید زمان و کاستن از فشارهای بیرونی انجام می‌شود و می‌تواند، فضای مانور بیشتری به دستگاه دیپلماسی بدهد. در این میان اما نکته جالب توجه، تناقض میان فریادهای اعتراض‌برانگیز برخی از نمایندگان مجلس و نبود اقدام عملی از سوی آنهاست.

افراطی‌گری مانع دیپلماسی

در این رابطه، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، تحلیلگر مسائل سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «سازندگی» با تأکید بر اینکه طبق روال گذشته، مسئولیت پرونده هسته‌ای با شورای امنیت ملی است و اکثریت مجلس هم این را پذیرفته، می‌گوید: «برخی نمایندگان با شعارهای تند به دنبال پاسخگویی به معذور طرفدارانشان هستند تا ایفای نقش نظارتی و قانونگذاری». او به وضعیت انتخابات اخیر مجلس اشاره کرده و توضیح می‌دهد که مشارکت در برخی شهرهای بزرگ کمتر از ۱۰ درصد بوده و آن را یکی از بزرگ‌ترین مشکلات تاریخ انتخابات در ایران می‌داند و ادامه می‌دهد: «در این دوره رقابت عملاً میان جریان‌های افراطی بود که رقبای خود را با ابزارهای غیرانتخاباتی کنار زده بودند. به گفته فلاحت‌پیشه در حال حاضر هم این افراد تلاش دارند با مواضع تند، معذور طرفداران خود را راضی نگه دارند». فلاحت‌پیشه همچنین درباره پیامدهای افراطی‌گری در سطح ملی گفت: «شرایط امروز کشور حاصل اقدامات افراطی این جریان‌هاست که فرصت‌های دیپلماسی را سوزاندند و هزینه آن را بالا بردند». او معتقد است: «محاکمه افراطیون به خاطر شرایط حال حاضر کشور به یک مطالبه عمومی تبدیل خواهد شد و فریادهای بلند آنها برای فرار از پاسخگویی به همین مطالبه است».

چرا این همه اعتراض؟

منتقدان اصلی توافق قاهره در مجلس، دو دلیل را بیشتر مطرح می‌کنند: اول اینکه می‌گویند، متن توافق شفاف نیست و احتمال دارد، امتیازات پنهانی داده شده باشد. دوم اینکه اعتقاد دارند دولت بدون دخالت مجلس، تعهدات تازه را پذیرفته، در حالی که سندی برای اثبات این ادعاها ندارند. حتی کمیسیون امنیت ملی مجلس هم پس از جلسه غیرعلنی با مسئولان وزارت خارجه

پارلمان

قالیباف: در جوان‌گرایی غفلت کردیم

تاکید بر ضرورت حکمرانی هوشمند در اولین کارسوق حکمرانی داده‌محور

گروه سیاسی: در اولین کارسوق حکمرانی داده‌محور با حضور دانش‌آموزان نخبه کشور در مجلس شورای اسلامی، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس، بر اهمیت جوان‌گرایی و اعتماد به مدیران جوان تأکید کرد و با بیان اینکه ما در جوان‌گرایی در کشور غفلت کردیم و باید به جوانان اعتماد کرد، یادآور شد که در دوران دفاع مقدس بسیاری از دانش‌آموزان و جوانان با میانگین سنی ۲۱ تا ۲۷ سال، نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. قالیباف اظهار کرد که مشکل اصلی کشور، ناتوانی در تبدیل مشکلات به مسائل قابل حل است و تا این تبدیل رخ ندهد، مشکلات باقی می‌مانند و صرفاً جابه‌جا می‌شوند.

رئیس مجلس در ادامه بر اهمیت تفکر سیستمی و حکمرانی داده‌محور برای حل ناترازی‌های مدیریتی تأکید کرد و گفت: «ناترازی مدیریتی برای ما ناترازی آب، برق و گاز به همراه آورده

است». وی خاطر نشان کرد که کشور با وجود داشتن نزدیک به ۱۹.۵ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان هنوز با قطعی‌های برق و گاز مواجه است و این نشان‌دهنده نبود رویکرد سیستمی و استفاده ناکافی از داده‌ها در مدیریت کشور است. قالیباف با اشاره به تحقیقات دانشگاه تهران درباره شخصیت افرادی که طی ۵۰ سال گذشته موفقیت‌آفرین بوده‌اند، بیان کرد که این افراد با معدل متوسط ۱۳ تا ۱۵ اما با مهارت‌های زندگی و تربیت همه‌جانبه برجسته، توانسته‌اند اثرگذار باشند. او افزود که کشور برای پیشرفت نیازمند توجه به نخبگان و فعال‌سازی استعدادهای بالقوه آنهاست و مسئولان وظیفه دارند، زمینه این کار را فراهم کنند تا نخبه‌ها دچار استضعاف نشوند.

وی همچنین با یادآوری دستاوردهای جمهوری اسلامی در مقابل سلطه و زور کشورهای خارجی به ویژه در جنگ ۱۲

روزه و مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که قدرت کشور مبتنی بر منطق و ارزش‌های دینی و نه صرفاً ابزار نظامی است.

قالیباف در پایان، رویکرد خود در مجلس را شفاف‌سازی، هوشمندسازی، مردمی‌سازی و کارآمدسازی اعلام کرد و گفت که برای تقویت ایران قوی باید خانواده‌ها و نسل آینده را توانمند کرد. او خطاب به دانش‌آموزان و نخبگان گفت: «همیشه امیدوار و واقع‌بین باشید؛ هیچ مشکلی نباید شما را ناامید کند و هیچ موفقیتی باعث غرور شود».

این کارسوق با هدف تقویت تفکر داده‌محور، مسئولیت‌پذیری و اثرگذاری نخبگان برگزار شد و بر ضرورت حکمرانی هوشمند و سیستمی برای عبور از چالش‌های مدیریتی کشور تأکید داشت.

مأموریت در ریاض

نگاهی به سفر لاریجانی به عربستان

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



پس از عراق و لبنان، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، روز سه‌شنبه وارد ریاض شد تا سومین سفر بین‌المللی خود را انجام دهد. این سفر در ادامه تعاملات دوجانبه و پس از بازدید فروردین ماه «خالد بن سلمان»، وزیر دفاع عربستان سعودی از تهران صورت می‌گیرد و نشان‌دهنده تمایل دو کشور به توسعه همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. سفر فروردین ماه خالد بن سلمان به تهران، نقطه عطفی در روابط ایران و عربستان بود؛ او به عنوان فرستاده ویژه پادشاه عربستان با رهبر انقلاب اسلامی دیدار و پیام ملک سلمان را تقدیم آیت‌الله خامنه‌ای کرد. رهبر انقلاب در این دیدار بر اهمیت روابط دوجانبه تأکید کردند و گفتند که ارتباط میان ایران و عربستان نه تنها برای دو کشور مفید است بلکه می‌تواند به تکمیل ظرفیت‌های یکدیگر کمک کند. ایشان همچنین تأکید کردند که با وجود دشمنانی که درصدد جلوگیری از همکاری‌ها هستند، گسترش روابط باید ادامه یابد و ایران آماده فائق آمدن بر انگیزه‌های خصمانه است. به گفته

رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی آمادگی دارد در زمینه‌های مختلف به عربستان کمک کند و همکاری منطقه‌ای میان کشورهای برادر به مراتب مؤثرتر از انکا به قدرت‌های خارجی است. خالد بن سلمان نیز ضمن ابراز خرسندی از دیدار با رهبر انقلاب، تأکید کرد که به تهران با هدف گسترش روابط و همکاری در تمامی زمینه‌ها آمده است و امیدوار است، گفت‌وگوهای سازنده روابط دو کشور را قوی‌تر کند.

سفر لاریجانی به عربستان در فاصله یک روز از حضور مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، در نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی و اتحادیه عرب در دوحه قطر و دیدار وی با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، صورت گرفته است. پزشکیان در این دیدار بر اهمیت تعمیق همکاری‌ها میان ایران و عربستان و تأمین منافع مشترک ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه تأکید کرد. او خاطر‌نشان کرد که اتحاد کشورهای اسلامی می‌تواند از تجاوز اسرائیل به کشورهای مسلمان جلوگیری کند و نقش عربستان در تحقق وحدت اسلامی بسیار حیاتی است. محمد بن سلمان نیز بر ضرورت توانمندسازی بلندمدت کشورهای اسلامی و همکاری فوری برای رسیدگی به اوضاع فلسطین و غزه تأکید کرد و گفت که اتحاد میان کشورهای اسلامی نه یک انتخاب بلکه

یک ضرورت است. این سفر در حالی انجام می‌شود که منطقه خاورمیانه روزهای پرتلاشی را پشت سر می‌گذارد؛ از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران توسط آمریکا و اسرائیل تا تشدید درگیری‌ها در غزه و یمن و تازه‌ترین حمله اسرائیل به نشست سران حماس در دوحه. طبق گزارش وال استریت ژورنال، اسرائیل از جنگنده‌های اف-۱۵ و اف-۳۵ برای شلیک موشک‌ها از فراز دریای سرخ استفاده کرده است. در چنین شرایط حساسی افزایش همکاری‌های ایران و عربستان در حوزه امنیت و سیاست منطقه‌ای، ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر همکاری‌های امنیتی، روابط اقتصادی میان ایران و عربستان می‌تواند، فرصتی حیاتی برای هر دو کشور ایجاد کند. همکاری اقتصادی نه تنها به تجارت محدود نمی‌شود بلکه پیامدهای استراتژیک و منطقه‌ای دارد و می‌تواند به ثبات



و کاهش تنش‌ها کمک کند. سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه انرژی، زیرساخت‌ها و تجارت علاوه بر افزایش وابستگی هزینه‌های درگیری را بالا می‌برد. هر دو کشور با دارا بودن سهم عمده از ذخایر نفت جهان می‌توانند بسا هماهنگی، بازار انرژی را تثبیت و پیش‌بینی‌پذیری برای سرمایه‌گذاران ایجاد کنند. همچنین با توجه به برنامه‌های توسعه صنعتی و اقتصادی ایران و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، همکاری اقتصادی می‌تواند پروژه‌های زیرساختی و صنعتی مشترک ایجاد کرده، اشتغال‌زایی را افزایش و وابستگی به بازیگران خارجی را کاهش دهد. در مجموع، سفر علی لاریجانی به عربستان نه تنها از منظر دیپلماتیک و امنیتی اهمیت دارد بلکه فرصتی است برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و ایجاد ثبات در منطقه‌ای پر تنش که می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران و عربستان ثبت شود.

ادامه سر مقاله

قدر فرصت‌ها را بدانیم

درست است که ما با آمریکا منافع راهبردی مشترک نداریم ولی می‌توانیم به منافع هویتی، هماهنگی‌های کوتاه‌مدت مشترک برسیم و حتی برای مثال می‌توانیم به جای مذاکرات بی‌حاصل از طریق واسطه‌ها و کشورهای ثالث، دفاتر حفاظت منافع دو کشور را مثل نوع رابطه‌مان با مصر برقرار کنیم. با توجه به روانشناسی شخصیتی ترامپ، برقراری دفاتر حفاظت منافع امتیازی برای رئیس‌جمهور فعلی آمریکا خواهد بود و او می‌تواند مدعی شود، کاری که رؤسای‌جمهور قبلی نتوانستند انجام دهند، من عملی کردم. با این روش می‌شود مذاکرات راهبردی جامع را نیز در تهران برنامه‌ریزی کرد.

روشن است که اسرائیل به دنبال فروپاشی نظام و تجزیه ایران است اما آمریکا ایران ضعیف شده را می‌خواهد. در حال حاضر زمان به ضرر ایران است، از سوی دیگر اگر اسنپ‌بک فعال شود، برجام دیگری ناممکن است و دیگر نمی‌توانیم، قطعنامه‌های شورای امنیت را لغو کنیم.

در جریان جنگ تحمیلی با عراق قطعنامه ۵۹۸ را داشتیم اما الان قطعنامه ۲۲۳۱ را داریم که قابل تکرار نیست ولی در این رابطه بارها فرصت‌سوزی کردیم. اکنون نباید بگذاریم که برجام از دست برود و اگر کاری نکنیم، دو هفته دیگر به تاریخ می‌پیوندد.

بنابراین نه وادادگی بی‌بازه قذافی و نه ایستادگی همراه با امتیازدهی صدام مسیر مناسبی برای ایران نیست ما به راهبردی نیاز داریم که آینده ایران را تضمین کند نه صرفاً تهدیدات را به تأخیر بیندازد و بلا تکلیفی و سردرگمی باقی بماند و مشکل زندگی مردم را حل نکند و از دورن دچار مشکل شویم.

انتظار از آقایان پزشکیان، لاریجانی و عراقچی آن است که برنامه مشخصی را برای لغو تحریم‌ها و تضمین عدم حمله تدوین کرده و به تأیید مقامات عالی‌نظام برسانند. در این مسیر نباید به صورت فرعی با کسانی مذاکره کنیم که قدرت هیچ امتیازی به ما را ندارد بلکه نیاز به رودرویی شجاعانه و مدبرانه با آمریکا داریم تا بتوانیم همه مسائل فی‌مابین را در یک توافق جامع حل کنیم. خوب است با نگاهی مجدد به پیشنهادات قابل انجام «هویتی، هماهنگی و بددیستانی» مورد نظر دکتر ظریف که در اسفند ماه ۱۴۰۳ در مقاله‌ای مطرح کرده است را در برنامه‌های مد نظر استفاده شود. به یاد داشته باشیم زمان و استفاده از فرصت‌ها بسیار مهم است، اگر تفاهمی که امروز حاضر شدیم با اروپا برای جلوگیری از اجرای مکانیسم ماشه داشته باشیم، سسه ماه قبل می‌دادیم نه قطعنامه‌ای علیه ایران صادر می‌شد که دست‌انویز اسرائیل برای حمله قرار گیرد و با اتمام مهلت قانونی قطعنامه‌های شورای امنیت هم کان‌لم‌یکن می‌شد پس قدر فرصت‌ها را بدانیم تا جلوی فجایع آینده گرفته شود.

پایگاه اوراسیا ریویو در تحلیلی با عنوان «جنگ بعدی اسرائیل و ایران چقدر قریب‌الوقوع است» است، سناریوهای موجود در تقابل تهران و تل‌آویو را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله آمده است:

آتش‌بس شکننده‌ای که پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ برقرار شد حالا در حال فروپاشی به نظر می‌رسد. از اواخر آگوست، نگرانی‌ها درباره آغاز دوباره درگیری‌ها یا حتی جنگی تمام‌عیار افزایش یافته است؛ به‌ویژه پس از آنکه سه کشور بزرگ اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در ۲۸ آگوست ۲۰۲۵ در شورای امنیت سازمان ملل اعلام کردند، ایران به تعهدات خود در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) عمل نکرده است.

طبق این اقدام، ایران ۳۰ روز فرصت دارد تا اجازه بازرسی‌های بین‌المللی از سایت‌های هسته‌ای و ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را بدهد و روند رقیق‌سازی اورانیوم با غنای بالا را آغاز کند. در غیر این صورت، مکانیسم «ماشه» فعال خواهد شد و تحریم‌های قبلی شامل محدودیت انتقال سلاح، توسعه موشکی و غنی‌سازی هسته‌ای، مسدود شدن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر برای برخی افراد بازخواهد گشت. البته ایران همین حالا هم تحت تحریم‌های شدید آمریکاست؛ چراکه واشنگتن در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و فشارهای اقتصادی گسترده‌ای اعمال کرد. با این حال «تریتا پارسی» تحلیلگر روابط ایران و اسرائیل معتقد است فعال شدن مکانیسم ماشه فقط حل مساله هسته‌ای ایران را پیچیده‌تر کرده و تنش‌های منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. او در مقاله‌ای در نشریه فارن پالیسی نوشت: «اسرائیل برای حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران حتی به بهانه نیاز ندارد؛ حملات غافلگیرانه‌اش در ژوئن این را نشان داد. اما یک خواست سازمان ملل که از سوی اروپا پشتیبانی شود برای اسرائیل نوعی پوشش سیاسی فراهم می‌کند؛ چیزی شبیه مشروعیت ظاهری برای حملات جدید. در نگاه رهبران اسرائیل، مکانیسم ماشه نه ابزار دیپلماتیک بلکه چراغ سبز جنگ است». باید یادآوری کرد، اسرائیل از ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ به ایران حمله کرد، سه روز پیش از آنکه دولت ترامپ قرار بود ششمین دور مذاکرات هسته‌ای در عمان را برگزار کند؛ مذاکراتی که در نهایت لغو شد.

جنگ در سالگرد ۱۷ اکتبر؟

پارسی پیش‌بینی می‌کند، احتمال آغاز جنگ میان ایران و اسرائیل (با پشتیبانی آمریکا) از دسامبر ۲۰۲۵ وجود دارد. اما برخی تحلیلگران مانند «محمد الدوح» معتقدند که احتمال حمله گسترده‌تر اسرائیل به ایران بین سپتامبر تا ۷ اکتبر ۲۰۲۵ بسیار بالاست.

در همین حال لحن تهدیدآمیز مقام‌های دو طرف شدت گرفته



سلطه‌جویی منطقه‌ای تفسیر کردند.

به گفته برخی تحلیلگران، اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون با حمایت تسلیحاتی آمریکا و اروپا، غزه را تقریباً نابود کرده، حملات گسترده‌ای در لبنان و سوریه انجام داده، مواضع حوثی‌ها در یمن را بمباران کرده، فرماندهان ارشد ایران را در جنگ ۱۲ روزه ترور و حتی مرزهای غزه با مصر را اشغال کرده است. کارشناسانی مانند ریتا پارسی معتقدند، اسرائیل می‌خواهد هرچه سریع‌تر با ایران تسویه حساب کند و اجازه ندهد تهران پس از شکست‌های ژوئن دوباره قدرت بگیرد.

فرصت محدود اسرائیل

پارسی بر این باور است که اسرائیل شاید تا پایان ۲۰۲۵ جنگ را از سر بگیرد؛ چون آغاز سال ۲۰۲۶ مصادف با انتخابات کنگره و مجلس نمایندگان آمریکاست و ممکن است، ترامپ در آن مقطع حاضر به حمایت از جنگی تازه در خاورمیانه نباشد. از نگاه دیگر تحلیلگران، اسرائیل با حمله به نیروهای نیابتی ایران در یمن، لبنان و غزه تلاش می‌کند همه بازوهای منطقه‌ای تهران را تضعیف کند تا راه برای حمله مستقیم به ایران هموار شود. نشانه‌های نظامی در ارتش اسرائیل نیز حاکی از بازسازی نیروها برای یک جنگ بزرگ است. در نهایت، هرچند هنوز نمی‌توان زمان دقیق جنگ احتمالی را پیش‌بینی کرد اما روشن است که جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، ریشه‌های اختلاف را حل نکرده و احتمال درگیری دوباره بسیار بالاست؛ درگیری‌ای که می‌تواند تبعات امنیتی، اقتصادی و انرژی گسترده‌ای برای کل منطقه و فراتر از آن داشته باشد.

واکنش کشورهای عربی

اظهارات اخیر نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، درباره «مأموریت تاریخی و معنوی» و ایده «سرزمین موعود» و «اسرائیل بزرگ» واکنش شدید کشورهای عربی و اسلامی را در پی داشت. بسیاری این سخنان را نشانه‌ای از تمایل اسرائیل به گسترش قلمرو و

گزارش:موسیقی

کنسرت آخر

پیکر امید جهان رهسپار خانه ابدی شد



تشییع پیکر زنده‌یاد امید جهان، خواننده موسیقی پاپ که پس از اجرای کنسرت در جشن خرمای بم دچار عارضه قلبی شد و ۲۲ شهریور درگذشت، صبح دیروز با حضور خانوادهٔ این هنرمند فقید، تعدادی مسولان فرهنگی و جمعی از هنرمندان در پهنهٔ فرهنگی- هنری رودکی مقابل تالار وحدت برگزار شد.

با همه رفاقت کرد

سیدجواد هاشمی، بازیگر و کارگردان و از دوستان امید جهان که اجرای این مراسم را برعهده داشت با گرمی‌داشت یاد این خواننده گفت: «از همه افرادی که امید به آنان ارادت داشت، می‌خواهم که هوای او را داشته باشند و با او رفاقت کنند، همان‌طوری که امید با همه آنان رفاقت کرد. امید دست همه را می‌گرفت و به همه کمک می‌کرد. سخت است بگویم امید «جوان» یا «جهان»، او به همه محافل امید می‌بخشید، چه می‌توان کرد، تقدیر این‌چنین است، شب گذشته در جمع رفقای نزدیک امید می‌گفتم، او اخم را دوست نداشت، کمتر کسی او را گریان دیده بود، آثانی که با امید مانوس بودند، سخنان مرا تصدیق می‌کنند. در لحظه مرگ امید، از خواهرش خواستم که آرام برای خداحافظی در آی سی یو بر بالینش حضور پیدا کند؛ خاطرم هست که گفت، امید به ما گفته است برایم گریه نکنید، سه روز است که دوستانش برای او اشک می‌ریزند و گریان هستند، او چه انسان عجیبی بود که آن‌قدر عزیز و مهربان بود که دل هیچ‌کس بعد از مرگش آرام نگرفت. امید وارد دنیایی شده که قطع به یقین از همه ما جایگاهش و حالش بهتر است، او تازه به دنیا آمده است و زندگی دیدش را تازه آغاز کرده است. خاطره امید در ذهن همه مردم ایران خواهد ماند و محو نخواهد شد.»

نماد شور و عشق به ایران

محمد اطمیابی، رئیس انجمن صنفی هنرمندان موسیقی نیز گفت: «امروز با پیکری خداحافظی می‌کنیم که نماد شور و عشق به ایران عزیز بود، قلب امید تنها ۴۴ سال تپید، در این زمان کم و کوتاه با ریتم‌های بندری و شاد قلب‌های مردم را به تپش درآورد، امید میراث‌دار پدر بود، میراثی که در آن عشق به موسیقی محلی، تلفیق فولکلور

و پاپ مدرن داشت. امید با ترانه‌ها و آلبوم‌هایی همچون «پسر جنوبی»، «پاپتی» و تک آهنگ‌هایی چون «هله دان دان» نه تنها صدای خطه هنرمندخیز جنوب را به سراسر ایران رساند بلکه توانست، مرزهای جنوب و شمال را محو کند، فعالیت امید پس از فوت پدر در سال ۱۳۹۶ رنگ و بوی دیگری گرفت، سبک و سیاق ترانه‌های امید، بوی زندگی و شادی داشت اما بدون شک صدای این هنرمند مردمی در اذهان مردم جنوب کشور به یادگار خواهد ماند. امروز در این تشییع پیکر غم‌انگیز به یاد پدر و پسری هستیم که در اوج شور جوانی و هنرمندی در آغوش صحنه به دیار حق شتافتند.»

واژه‌ها یاری بیان ندارند

سمانه سامی‌نژاد، رئیس شورای اسلامی شهر بم نیز در این آیین به نمایندگی از شهری که امید جهان در آن درگذشت، گفت: «ای مهمان، تو با آهنگ صدایت وارد کوچه‌های خاکی این شهر شدی و به لب‌های مردم این دیار لبخند آوردی. ناگهان جهان به گونه‌ای دیگر جرخید؛ نفس بادگیر کوچه‌ها بند آمد و درست همان لحظه که چشم‌ها به تو خیره بودند از ما جدا شدی. آری، چنین شد، قلب شهر، قلب جهان را با بی‌صدایی خاموش دید. مرگ ناگهانی، سفری موسیقایی را آرام تاباند و این قلب خسته از خاک این شهر، داغدار شد. من، اهل بم، امید جهان را به سادگی موسیقی خود می‌دانم، او نامی بود که به دست باد، در میان سنگ‌ها و نخل‌های این دیار جاری شد. نام امید جهان در شهری که یادگارهایی همچون داربوش رفیعی، ایرج بسطامی و روح‌انگیز سام‌نژاد را دارد به یادگار خواهد ماند. اکنون که صدای ساز خاموش می‌شود و نام او در محافل تشییع این شهر به گوش می‌رسد به یاد آن لحظه‌هایی می‌افتم که با لحن آرام و مطمئن، صدایت دل هر شنونده‌ای را به تپش درمی‌آورد. آن‌قدر از مرگ این هنرمند متأثر و شرمنده این میزبانی هستیم که واژه‌ها یاری بیسان ندارند. امیدوارم یاد این هنرمند همواره در دل‌ها و خاطره‌ها بماند. من به نیابت از مردم بم، این ضایعه را به جامعه هنری ایران تسلیت می‌گویم. به یاد امید عزیز، در خانهٔ هنر شجریان در بم، نخلی را به یادگار کاشتم که به دست هنرمندان شهر آبیاری شد.»

نوبت دوم

شناسه آگهی: ۲۰۰۰۹۲۰

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت خزر
(سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی برای مناقصه عمومی (تجدید)

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲
- مهلت ارسال پاسخ فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

آدرس و تلفن تماس مناقصه‌گزار:

تهران- خیابان شهید سید حسن نصرالله- خیابان پنجم- پلاک ۲۰- امور حقوقی و پیمان‌ها

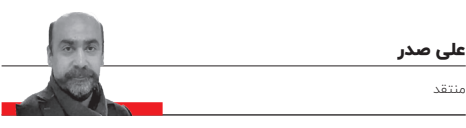
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۲۲۴۳۰

شرکت نفت خزر (سهامی خاص) در نظر دارد فراخوان «تعمیرات اساسی دو دستگاه جرثقیل پایه ستونی ۶۰ تن نصب شده بر روی سکوی نیمه شناور ایران امیرکبیر» به شماره ۲۰۰۴۰۹۳۴۴۵۰۰۰۰۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت اسناد تازارایه پیشنهادات و گشایش پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

روابط عمومی شرکت نفت خزر

دو مرد و یک شهر

دربارهٔ رمان **جنون دونفره** نوشتهٔ مهدی فاتحی



علی صدر

منتقد

انتظار می‌رود که هر زندگی سرشار از وقایعی باشد و سرگذشت آدم‌ها نتیجهٔ چند رویداد کلیدی که نقاط عطف قلمداد می‌شوند. واقعیت تلخ یا شاید سرد این است که وقایع زندگی همهٔ آدم‌ها کمابیش شبیه به هم‌اند: تولد کمی سعی و خطا و زمین خوردن و برخاستن، مجموعهٔ وسیعی از شکست‌ها و سرخوردگی‌ها و تعداد اندکی موفقیت، یک یا چند دل‌باختگی، چند چیز افتخارآمیز و مقادیری شرم‌ساری و سرافکندگی، کمی به دست آوردن و از آن پس اندوه از دست دادن همه‌کس و همه‌چیز. همهٔ چیزهایی که به دشواری به دست آمده بودند. چند دهه بی‌توجهی به آن‌چه که داریم و سرانجام، سال‌ها سوختن در نوستالژی از دست رفتن همان چیزهای پیش‌تر بی‌اهمیت و در نهایت، خفتن در آغوش مرگ. . . . شب بخیر. اگر همهٔ این وقایع را می‌شود در چند خط یا نهایتاً یک صفحه فهرست کرد، پس این میلیون‌ها صفحهٔ سیاه شده دربارهٔ چیست و چرا روایت داستان هر آدمی این اندازه زمان می‌برد و گاه به دفعات گفته و خوانده می‌شود؟ دانوزینو می‌گفت برخی آدم‌ها وقایع را دوست دارند و نه افکار را «ولی وقایع هیچ معنی ندارند، در جهان چیز دیگری وجود دارد که از خود واقعه مهم‌تر است.»

روایت دوستی ساده

نمی‌دانیم در ذهن نویسندهٔ رمان «جنون دونفره» چه می‌گذشته اما واضح است که در جهانِ این رمان هم، وقایع چندان معنا و اهمیتی ندارند و چیزهایی از خود وقایع مهم‌ترند. سر تا تهٔ کتاب شرح رویدادهای بی‌شماری است که برای دو مرد رخ می‌دهد: عشق و نفرت، ازدواج و طلاق، تولد و مرگ، موفقیت و شکست، درماندگی و مبارزه، ترک گفتن و بازگشتن، در میانهٔ فعالیت‌هایی اجتماعی و سیاسی، امیدها و ناامیدی‌ها، همه در بستر پرتلاطم سیاسی و اجتماعی دههٔ هفتاد و هشتاد. در قلب شهری که تلاطم و آشوب در دی‌لِزِای آن است: تهران. با این وجود، هیچ‌کدام از این وقایع پرشمار نیروی جاذبه و دافعه‌ای ندارند. هیچ رنگی و طعمی، شکست

سینمای ایران

انتخاب غیرمنتظره

کمیته اسکار علت مرگ نامعلوم را معرفی کرد

هیأت انتخاب نماینده ایران پس از بررسی آثار برگزیده، فیلم سینمایی «علت مرگ نامعلوم» به کارگردانی علی زرنگار و تهیه‌کنندگی مجیدبرزگر را به اتفاق آراء شایسته حضور در این رقابت جهانی دانست و به عنوان نماینده رسمی سینمای ایران در سال ۲۰۲۶ به آکادمی اسکار معرفی کرد.

پاتنه‌آپناهی‌ها (بازیگر)، آزاده موسوی (مستندساز)، ابوالحسن داودی (کارگردان)، فرهاد توحیدی (فیلمنامه‌نویس)، هومن بهمنش (مدیر فیلمبرداری)، محمدرضا دلپاک (طراح صدا و عضو آکادمی اسکار)، مصطفی کیایی (کارگردان)، علی دهکردی (بازیگر) و محمدرضا تشکری (دبیر کمیته و معاون بین‌الملل و پخش‌کننده بین‌المللی) اعضای ۹ نفره هیأت انتخاب نماینده سینمای ایران برای حضور آکادمی اسکار ۲۰۲۶ را تشکیل دادند.

امسال کمیته انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار با حاشیه‌های زیادی همراه بود همچنین رقابتی جدی بین دو فیلم «پیرپسر» و «زن و بچه» در میان طرفداران این دو فیلم ایجاد شده بود اما در نهایت هیچ‌کدام گزینه نهایی این کمیته نشدند.

جمعه شب گذشته بود که حامد بهداد در مراسم روز سینما خطاب به اکتای براهنی آرزو کرد تا «پیرپسر» نماینده سینمای ایران شود که او هم پایپون بزند و راهی مراسم اسکار شود اما نه این فیلم انتخاب شد و نه رقیب جدی‌اش «زن و بچه» بلکه «علت مرگ: نامعلوم»، یکی از توقیفی‌های سال‌های اخیر سینما، مسافر اسکار شد.

۲۳ شهریورماه کمیته پرحاشیه سینمای ایران برای معرفی فیلم به اسکار، نام ۵ نامزد نهایی را پس از تماشای بیش از ۱۰ فیلم اعلام کردند که شامل «پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی، «رها» به کارگردانی حسام‌فرهمند، «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی، «زیا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدرعاملی و «علت مرگ: نامعلوم» به کارگردانی علی زرنگار می‌شد. در بین این

همان اندازه جدی نیست که پیروزی. عشق همان اندازه بی‌اهمیت است که نفرت. وزن همه‌شان یک اندازه است: تقریباً هیچ. خصوصیت همه یکی‌ست: کمابیش سرد.

یک نفر با محلولی جادویی توانسته، احساس را از وقایع برداید، در انگلیسی می‌گویند desensitisation، حساسیت‌زدایی در بسیاری مواقع برابر گویا و مناسبی به نظر نمی‌آید. مسأله به‌هیچ عنوان بر سر حساسیت نیست، احساسات و عواطف است که یک‌سره محو و زوده شده‌اند. در عصب‌شناسی فرض بر این است که در نتیجهٔ تعدد تکرار یک واقعه با قطع کامل‌اش، عصب‌ها دیگر به یک محرک واکنش نشان نمی‌دهند. پس اهمیتِ روایتِ زندگی آن دو مرد در چیست؟ در دوستی‌شان؛ در چیزهایی که در رابطهٔ هر یک با آن دیگری می‌گذرد. زندگی‌شان گویی به‌خودی خود معنایی ندارد و تنها در نگاه آن دیگری و به میانجیِ آن دیگری به روایی معنادار مبدل می‌شود. کامو می‌گفت، نه زندگی پوچ است و نه جهان، پوچی در رابطهٔ میان این دو است. در شکلی وارونه، در این رمان به ظاهر هیچ چیز معنا و موضوعیتی ندارد مگر رابطهٔ این دو نفر.

وقایع رمان که گاه به شکلِ رگبار و تگرگ بر سر خواننده سرازیر می‌شوند، نه خوب‌اند و نه بد. نه دوست‌داشتنی‌اند و نه نفرت‌انگیز. جابه‌جایی قدرت سیاسی، تظاهرات خیابانی و حتی قتل و خیانت هم یخ و بی‌مزه است. شخصیت‌ها اغلب یا کلافه‌اند و یا در رنج. آن‌چه بر آن‌ها می‌گذرد غالباً نتیجهٔ گذر از یکی به دیگری‌ست. فرار از وضعیتِ کلافگی به رنجی تازه می‌انجامد و راهبای از رنج در نهایت در حال‌وهوایی از بی‌میلی و رخوت ته‌نشین می‌شود. به نظر می‌آید، آنرور شپنهاور که توصیف‌اش از جهان به حرکتی آونگی میانِ رنج و ملال شهرت یافت در فضای ذهنی رمان حاکم مطلق است. فیلسوفِ نه‌چندان خوش‌مشرَب معتقد بود، چیزی به نام خوشبختی وجود ندارد و آدمی‌زاد یا در رنج به دست آوردنِ چیزی‌ست که ندارد یا در ملالِ چیزی که اکنون به دست آورده و دیگر شوقی برنمی‌انگیزد. و این همه در شهری شلوغ، پرآشوب و ناآرام که از زمین و آسمان‌اش بلا می‌بارد. شهری که هیچ چیز را جدی نمی‌گیرد و در خاطر نگه نمی‌دارد. دکترروف در یکی از داستان‌های کوتاداش دربارهٔ شیکاگو به طعنه نوشت: شهری که «می‌توانست با تمام چیزهای بدی که خدا مقدر کرده است، کنار

پنج فیلم پیش‌بینی‌ها و بحث‌ها بیشتر بر سر دو فیلم «پیرپسر» و «زن و بچه» بود و خیلی‌ها گمان می‌کردند براساس برنامه‌های اکران جهانی و حضور در جشنواره‌های خارجی یکی از این دو فیلم به عنوان نماینده سینمای ایران برای معرفی به اسکار انتخاب می‌شود اما امید چندانی برای معرفی «پیرپسر» به آکادمی وجود نداشت





سال هشتم شماره ۲۰۶۳
چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۴

سینمای جهان

سینماگر تمام و کمال

رابرت ردفورد از ستارگان دهه ۷۰ سینما در ۸۹ سالگی درگذشت



در اجرای نقش‌های مکمل هم توانا هستند، بازیگرانی با مهارت بیشتری دارند. چراکه نقش یک به خودی خود نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند و بازیگری که بتواند در کنار پل نیومن چهره مسلط و جذاب بازیگری، توجه‌ها را به خود جلب کند، کار مهمی کرده و همین نشان می‌دهد که او چقدر در کار خود بر قدرت بود. سازی در فیلم ماندگار «نیش» و همکاری مجددش با پل نیومن، نامزدی دریافت جایزه اسکار را برایش به ارمغان آورد. او نشان داد که با بازی در کنار یکی از اسطوره‌های بازیگری نه تنها در سایه او قرار نمی‌گیرد بلکه حتی توانایی این را دارد که خود را به عنوان چهره‌ای برجسته و مهم مطرح کند و حتی نامزد اسکار هم بشود.

با اینکه فیلم‌هایی که خود کارگردانی کرد به ۱۰ فیلم هم نمی‌رسد اما هریک از آنها موفقیت‌هایی را برای او به همراه داشت. در سال ۱۹۹۲ سسومین فیلمش را با عنوان «رودخانه‌ای از میان آن می‌گذرد» کارگردانی کرد فیلمی با بازی برد پیت که موفق به دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم‌پرداری و نامزد جایزه اسکار در دو بخش بهترین موسیقی و بهترین موسیقی متن و بهترین فیلم‌نامه اقتباسی شد. ردفورد در سال ۱۹۹۵ برای فیلم «مسابقه تلویزیونی» نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین کارگردانی شد. او در سال ۲۰۰۲ اسکار افتخاری برای یک عمر دستاورد هنری گرفت و در سال ۲۰۱۰ نشان شوالیه لژیون دونور فرانسه را دریافت کرد. باید به همه اینها جوایز گلدن گلوب، جایزه انجمن کارگردانان آمریکا، بفتا و جایزه انجمن بازیگران فیلم را هم اضافه کنید که تعداد جوایزش از فیلم‌هایی که ساخته بسیار فراتر می‌رود.

سیندی برگر، مدیر اجرایی یک شرکت تبلیغاتی و از دوستان این بازیگر در بیانیته‌ای اعلام کرد که ردفورد در خواب در خانه‌اش در یوتا درگذشته است. او گفت: «رابرت ردفورد در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ در خانه‌اش در ساندنس در کوه‌های یوتا، جایی که دوستش داشت در محاصره عزیزانش، درگذشت. جای خالی او بسیار احساس خواهد شد».

برای سینماگری که هم بازیگر حرفه‌ای و محبوبی بود و هم کارگردان سرشناس و کاربلدی چنین مرگی شایسته است و جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که مرگ هم با او خوب تا کرد چراکه خوب هم زندگی کرده بود. بدون جنجال، حاشیه و رسوایی که این روزها برخی به دنبال آنند و منفعت بسیاری از همین‌ها می‌برند.

۸۹ سال را پشت سر گذاشته بود. عمری که نه تنها با شهرت بلکه با تمجید و موفقیت گذرانده بود. با بازی در کنار پل نیومن به شهرت رسید و اما او تنها بازیگر نبود. فیلم‌هایی هم که ساخت هم مورد توجه منتقدان قرار گرفت و هم اسکار و جوایز گلدن گلوب را برایش به همراه داشت. رابرت ردفورد از همان نسل طلایی تکرارنشدنی است که مشابه‌شان را در سینمای امروز آمریکا هم به سختی می‌توان پیدا کرد. از همان‌هایی که تنها برای شهرت و محبوبیت به سینما نیامده بودند. سینما عشق و هدف مهمی در زندگی‌شان بود که شهرت در این میان، آنقدرها هم برایشان اهمیت نداشت. ردفورد از آن دسته بازیگرانی بود که مانند کلینت ایستوود، عطش فیلمسازی هم داشت و حتی بیش از او در این عرصه به موفقیت رسید. مؤسس یکی از معتبرترین جشنواره‌های سینمایی دنیا بود که آثار کارگردانان سینمای مستقل را می‌پذیرفت و جشنواره برای رهایی از فیلم‌های پرطمطراق، تجاری و دنیای سلبریتی‌ها بود. اولین فیلمی که کارگردانی کرد، آنقدر مورد توجه قرار گرفت که تبدیل به آثار منتخب دهه ۸۰ شد. «مردم معمولی» چهار جایزه اسکار از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را برایش به همراه داشت. او یک نابغه سینمایی بود که هم در بازیگری مورد توجه قرار می‌گرفت و هم در کارگردانی حرفی برای گفتن داشت. ردفورد در کنار وارن بیت، کلینت ایستوود، مل گیبسون، ریچارد اتببرا و کوین کاستنر از معدود دریافت‌کنندگان جایزه اسکار کارگردانی است که بازیگر چیره‌دستی هم بود و بازی‌هایش هم مانند فیلمسازی‌اش به خاطر مانده‌اند. اسطوره بازیگری که بیشتر برای نقش‌هایش در فیلم‌های «بوج کسیدی و ساندنس کید» و «همه مردان رئیس‌جمهور» شناخته می‌شد. در آوریل ۲۰۱۴ مجله تایم از ردفورد به عنوان یکی از ۱۰۰ نفر «تأثیرگذارترین افراد جهان» نام برد. در سال ۲۰۱۶ او موفق به دریافت مدال آزادی از رئیس‌جمهور آمریکا شد.

ردفورد بازیگری را از اواخر دهه ۱۹۵۰ در تلویزیون آغاز کرد. کارنامه‌اش آنقدر پرمیمان است که به سختی می‌توان آن را شمارش کرد اما آنقدر بازیگر خوب و چشمگیری بود که در همان اوایل کارش توانست، نظر تماشاگران و داوران را به خود جلب کند و در سال ۱۹۶۲ نامزد دریافت جایزه امی به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل برای اجرای بازی در فیلم «صدای چارلی پونت» شد. بازیگران بیشتر عطش بازی در نقش اصلی را دارند اما آنهایی که



جنون دونفره

مهدی فاتحی

انتشارات

هفت اقلیم هنر

۱۴۸ صفحه

۱۹۰ هزار تومان



حاملی که تک‌ت‌هایی منفصل را به‌هم ربط می‌دهد. وقتی از کیشولفسکی پرسیدند آیا به خدا باور دارد، گفت اعتقادش به چیزی‌ست که بتواند نقطهٔ ارجاعی باشد. چیزی ثابت در جهانی متغیر و ناپایدار؟ نوعی ایستایی در میان تلاطمی دائم؟ ریتمی که بتوان به کمک‌اش از فروغلطیدن به بی‌نظمی وحشت‌آور هستی رهایی یافت؟

در این معنا، هر چیزی که بتواند در میانِ امواجی خروشان و کائوسی دیوانه‌وار-که زندگی نام دارد- به هیئت یک تکیه‌گاه عمل کند به مقام خدایی خواهد رسید. خط حاملی که اصوات بی‌معنا را به ملودی شورانگیزی مبدل کند، سناریویی که به حضور شخصیت‌هایی گسسته و بی‌ارتباط هویتی داستانی دهد، یا پرسپکتیوی که به مجموعه‌ای خط و شکل بی‌خاصیت، تشخیصی هنری دهد. این‌ها هر یک خدایان جهان‌های خویش‌اند. در انجیل یوحنا آمده: خداوند محبت است؛ در رمانِ مهدی فاتحی، خداوند همان رفاقت است.

زمان اگرچه در روایت این رمان می‌گذرد اما هیچ چیز تغییر نمی‌کند؛ که ای کاش می‌کرد. در دنیای واقعی با گذر زمان چیزها عوض می‌شوند. به خصوص آدم‌ها و این مهم‌ترین خاصیت زمان است. در رمان «جنون دونفره» آدم‌ها همیشه همان‌اند که بودند. تحول به حرف نیست در طرز فکر، طرز بیان و نگاه است. آن‌چه زندگی بر سر آدم‌ها می‌آورد- حتی همان تجربهٔ گذر از ملال به رنج و بازگشت به ملال- آدم‌ها را عوض می‌کند. فقط به چهره‌شان خط و خطوط نمی‌اندازد، لحن و صدای‌شان را هم تغییر می‌دهد. از یا می‌اندازدشان. حتی اگر دوباره برخیزند و ادامه دهند با همان ریتم قبلی راه نمی‌روند به همان شکل زمین نمی‌خورند. دوستی هم مثل رودخانهٔ هرakلیتوس در تغییر دائم است. کاش در این رمان هم تغییر می‌کرد... درست هم چون خدایان که تغییر می‌کنند.

متمرکز باشند.

واقعیت این است که انتخاب «علت مرگ نامعلوم» آنقدرها هم بی‌راه و فالش نیست. فیلم امتیازات مثبت آنقدر دارد که بتوان آن را گزینه خوبی برای معرفی دانست. خوش‌ساخت است، داستان منسجم و بدون لکنتی دارد، بازی‌های فیلم قابل قبول و حتی برخی از آنها چشم‌گیر است و در نهایت فیلم جاده‌ای قابل تأملی است که در جشنواره‌های خارجی هم به نمایش درآمده و در برخی از رشته‌ها، نامزدی و جایزه هم کسب کرده است. برخلاف تصور داخل، اعضای آکادمی اسکار هم به فیلم‌ها برای کشف سیاه‌نمایی یا نکته‌های سیاسی نگاه نمی‌کنند. آنها گروهی از سینماگران از اقضا نقاط دنیا هستند که بیش از هر چیز قصه، کارگردانی و ساختار درست فیلم برایشان اهمیت دارد. البته توانایی پخش‌کننده بین‌المللی که تا چه اندازه بتواند، فیلم را در شرایط خوب برای تعدادی از اعضای آکادمی به نمایش بگذارد و آن را به درستی برای آنها عرضه کند خیلی مهم است و اینکه «علت مرگ نامعلوم» تا چه اندازه بتواند آنها را جذب کند و اعضای آکادمی متوجه زبان و نگاه فیلم شوند به شدت بستگی به پخش‌کننده و شکل معرفی و پرزنت کردن آن دارد. روز گذشته پیمان جبلی، رئیس سازمان صدا و سیما در جلسه شورای عالی سینما از اعضای کمیته اسکار خواست تا نماینده‌ای از ایران را به این آکادمی معرفی کند که تصویر خوبی از ایران و فرهنگ و هنر کشور ارائه بدهد، صحبت‌های او با مخالفت همایون اسعدیان روبه‌رو شد و او از جبلی خواست جهت‌دهی نکند. اما واقعیت این است که نماینده امسال با مخالفت طیف بسیاری روبه‌رو خواهد شد که مانند جبلی تصورشان این است که برخی فیلم‌ها، تصویر سیاه و نادرستی از ایران به نمایش خواهند گذاشت. در حالی که سینماگران در سراسر دنیا، فارغ از اهالی سیاست به فیلم‌ها نگاه می‌کنند و برداشت‌شان از آثار شباهتی به آنها ندارد وگرنه فیلمسازانی مانند ایناریتو، امیر کاستاریکا یا حتی اسکورسیزی باید برای ارائه آنچه در فیلم‌هایشان به تصویر می‌کشند، متهم به سیاه‌نمایی شوند.

حالا بنا بر نظر کمیته اسکار «علت مرگ نامعلوم» به عنوان نماینده ایران انتخاب شده است اما از الان نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی درباره حضور این فیلم در میان نامزدهای مرحله میانی و نهایی داشت، واقعیت این است که غیر از کیفیت فیلم عوامل دیگری مانند پخش‌کننده معتبر و شاخص، هزینه‌ای که او صرف معرفی اثر می‌کند، حضور جشنواره‌ای و انعکاس مطبوعاتی در نشریات خارجی و ... نقش بیشتری در موفقیت یک فیلم در پذیرش آن در میان ۵ نامزد نهایی دارد.

چون هم مدیران به دلیل فشارها نمی‌توانستند، پای این انتخاب بایستند و هم اینکه در کمیته انتخاب نماینده ایران هم مخالفانی برای انتخاب این اثر وجود داشت.

گزینه نهایی فیلمی بود که سال ۱۴۰۰ در چهلمین جشنواره فیلم فجر از سوی هیأت انتخاب جشنواره برای حضور در بخش رقابتی تأیید شد اما سازمان سینمایی وزارت ارشاد دولت قبل به این فیلم پروانه نمایش نداد و پس از آن هم مجوز اکران نگرفت. «علت مرگ: نامعلوم» سرانجام پاییز سال گذشته، پروانه نمایش گرفت و در هجمه فیلم‌های کم‌دی در زمانی محدود به اکران عمومی رسید و بعد هم اکران آنلاین.

این فیلم که درونمایه اجتماعی و نیز سیاسی دارد، قصهٔ ۷ مسافر در جاده‌ای به سمت کرمان است که با نظر قاطع اعضای کمیته انتخاب برای معرفی به آکادمی اسکار برگزیده شده و حالا سازندگان فیلم بیش از هر چیز بر تبلیغات و پخش جهانی آن باید



شناسه آگهی ۲۰۰۰۲۲۸
نوبت دوم

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

«آگهی فراخوان مناقصه»
شماره: ۷۲-۱۴۰۴

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی پروژه خرید سرور
Unity 480 DPE 25x2.5 Customer Supplied Rack
(همراه با دستگاههای ذخیره سازی داده های سرور) را از طریق
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس
www.setadiran.ir
برگزار و به فروشنده ذیصلاح واگذار نماید.
بدین منظوراز کلیه شرکتهای سازنده تأمین کننده معتبر دارای
حداقل رتبه ۲ صلاحیت خدمات انفورماتیک از سازمان برنامه و
بودجه کشور ، و گواهی افتا و تأیید صلاحیت از سازمان حراست
وزارت نفت ، و توانایی تامین اقلام فوق و تهیه تضمین شرکت
درفراپند ارجاع کار طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ
-/۰۰۰/۰۰۰/۵۲۰ (پنج میلیارد و دویست میلیون ریال) دعوت
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

می نماید حداکثر تا ۱۰ روز پس از انتشار نوبت دوم این آگهی،
اعلام آمادگی کتبی خود را، و فرم های تکمیل شده پرسشنامه
ارزیابی (کیفی تامین کنندگان کالا) و تصویر مدارک و مستندات
مندرج در فرم ارزیابی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
ارسال نمایند.
ضمناً دراستاد مناقصه توزیعی ، تاریخ تحویل پاکات وگشایش
پیشنهادات قید گردیده است . مناقصه‌گران باید در سامانه
تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام و گواهی امضای
الکترونیکی را دریافت نمایند.
تلفن ۳۴۴۹۶۲۷۴ و ۰۴۱-۳۴۴۴۸۰۹۵
دورنگار ۰۴۱-۳۴۴۴۷۰۸۹

روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

دیدگاه: یادداشت

اولویت‌های یک اصلاح

آیا مسیر توانمندسازی نظام اداری هموار است؟



مجید صالحی‌فیروزآبادی

عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

رابطه کارآمدی نظام اداری با توانمندسازی کارکنان نظام اداری هر کشور، ستون اصلی تحقق اهداف توسعه و خدمت‌رسانی به شهروندان است. کارآمدی این نظام به معنای استفاده بهینه از منابع، ارتقای بهره‌وری و پاسخگویی سریع و دقیق به نیازهای جامعه است. یکی از عوامل مهم و اساسی که می‌تواند به بهبود کارآمدی نظام اداری کمک کند، توانمندسازی کارکنان است. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن کارکنان از نظر دانش، مهارت، اختیار، انگیزه و خلاقیت تقویت می‌شوند و قادر خواهند بود، نقش مؤثرتری در تحقق اهداف سازمانی و ارائه خدمات مطلوب‌تر ایفا کنند. توانمندسازی دارای ابعاد مختلفی همچون افزایش دانش و مهارت، تفویض اختیار و مسئولیت، ایجاد انگیزش و رضایت شغلی و توسعه نوآوری و یادگیری سازمانی و فردی است. هر یک از این ابعاد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتقای کارآمدی نظام اداری نقش دارند. برای مثال، کارکنانی که از آموزش کافی برخوردارند و دانش شغلی بالاتری دارند، تصمیم‌های دقیق‌تر و مؤثرتری اتخاذ می‌کنند و این امر موجب افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و کاهش خطا می‌شود. همچنین کاهش تمرکزگرایی و حذف بروکراسی زائد منجر به تسهیل و سرعت‌بخشی به فرایندها و افزایش چابکی و ارتقای کارآمدی نظام اداری است. از سوی دیگر، انگیزش و رضایت شغلی کارکنان، ارتباط تنگاتنگی با بهره‌وری سازمانی دارد. کارکنانی که احساس ارزشمندی و حضوری مؤثر می‌کنند و در فرآیند تصمیم‌گیری سهم هستند و مشارکت فعالانه دارند، تعهد سازمانی بیشتری داشته و تمایل بیشتری به تلاش برای موفقیت سازمان نشان می‌دهند. این امر به طور مستقیم سطح بهره‌وری و اثربخشی نظام اداری را افزایش می‌دهد. همچنین توانمندسازی، زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و نوآوری فراهم می‌آورد که در شرایط پیچیده و متغیر امروزی یک مزیت رقابتی برای هر مجموعه و سازمانی محسوب می‌شود. سازمان‌های اداری توانمند، قادرند با بهره‌گیری از ایده‌های نو کارکنان، خدمات عمومی خود را بهبود ببخشند و پاسخگوی نیازهای در حال تغییر جامعه هدف خود باشند. در نتیجه توانمندسازی کارکنان نه تنها یک ابزار منابع انسانی بلکه یک راهبر্দ کلیدی برای اصلاح و بهبود نظام اداری است. کارآمدی بدون توجه به سرمایه انسانی سازمان ممکن نخواهد بود زیرا زیرساخت‌ها و ابزار مختلف و متعدد فناوری و ساختارهای مرتبط بدون نیروی انسانی توانمند و کارآمد کارکرد مطلوب ندارند. بنابراین رابطهای مستقیم و دوسویه بین توانمندسازی کارکنان و کارآمدی نظام اداری برقرار است؛ به‌گونه‌ای که سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌افزایی و توانمندسازی، ایجاد انگیزه و تقویت نوآوری کارکنان منجر به ارتقای بهره‌وری و در نهایت افزایش کارآمدی اداری می‌شود. این فرآیند در کشورهای توسعه یافته به میزان ۵۰ تا ۷۰ درصد، بهبود کارآمدی را در پی داشته است. این موضوع قطعا با برنامه‌ریزی دقیق به سرانجام می‌رسد و شرط مهم آن، تغییر نگاه به نیروی انسانی به عنوان سرمایه انسانی است و در این میان تغییر فرهنگ سازمانی مهم و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. چراکه ناکارآمدی محصول رویه‌های نادرست فردی، سازمانی و ساختاری است و نباید آن را به سطح فردی تنزل داد و از سویی دولت‌ها برای توجیه ناکارآمدی‌های خود و سرپوش گذاشتن بر مشکلات، ناکارآمدی کارکنان خود را مقصر می‌دانند در صورتی که اصلی‌ترین وظیفه دولت‌ها به عنوان متولی امور کارآمدسازی در سازمان‌هاست که غالبا دشوار، پرهزینه و زمانبر است. بنابراین توانمندسازی کارکنان شرط لازم برای کارآمدی نظام اداری است و مدیران و سیاست‌گذاران باید آن را به عنوان یک اولویت راهبردی در دستور کار قرار دهند. در این مسیر، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی مستمر، نظام‌های انگیزشی عادلانه، سیاست‌های مهارت‌افزایی و توانمندسازی و حمایت از نوآوری‌های فردی و جمعی به طور همزمان اجرا شود تا نظام اداری بتواند در پاسخگویی به نیازهای شهروندان و تحقق اهداف توسعه ملی، عملکردی کارآمد و اثربخش و کارا داشته باشد. به نظر می‌رسد، دولت چهاردهم گام نخست را برای کارآمدسازی نظام اداری برداشته است و قصد دارد، مسیر دشوار ارتقای کارآمدی را با رفع انباشت مشکلات سرمایه انسانی با تغییر در نگاه و رویکردها و به صورت گام به گام پی بگیرد تا بتواند با ارتقای بهره‌وری، نظام اداری کشور را مبتنی بر سرمایه انسانی توانمند و توسعه‌یافته، کارآمد کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ریشه‌های خوش‌بینی

چرا رئیس کل بانک مرکزی به آینده امیدوار است؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در حالی که اقتصاددانان نگران تداوم وضعیت رکود تورمی و منفی شدن رشد اقتصاد ایران و تشدید بحران بیکاری هستند، رئیس‌کل بانک مرکزی اوضاع را قابل کنترلر و رو به بهبود می‌داند. محمدرضا فرزین در سی‌وپنجمین همایش بانکداری اسلامی به تشریح وضعیت اقتصادی کشور پرداخت و از بهبود شرایط در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ خبر داد. او تأکید کرد که «اعلام بازگشت اقتصاد، نشان از بازیابی شرایط باثبات دارد و در نیمه دوم سال شاهد ثبات و روند مثبت اقتصادی خواهیم بود». احتمالا این پیش‌بینی آقای فرزین با استناد به روندهای اخیر اقتصادی مطرح شده است از جمله رشد اقتصادی ۳.۲ درصدی در سال ۱۴۰۳، ادامه نرخ رشد مثبت از سال ۱۳۹۹ به مدت ۲۰ ماه گذشته و افزایش سهم تسهیلات به خانوارها از ۱۱-۱۲ درصد به حدود ۲۵ درصد در ۵ ماهه ابتدایی ۱۴۰۴. همچنین رشد تسهیلات‌دهی بانک‌ها بیش از ۳۷ درصد در این دوره گزارش شده است. فرزین به ثبات نرخ ارز و مزاد تجاری اشاره کرد و گفت، اقتصاد پس از «جنگ ۱۲ روزه» وارد رکود شد اما اعلام بازگشت در مرداد ۱۴۰۴ مشاهده شده و آمار تولید در حال احیای مجدد است. این در حالی است که شاخص صنعت در مبادلات بورس اوراق بهادار، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد.

رئیس‌کل بانک‌مرکزی سیاست‌های پولی جدید، افزایش سرمایه بانک‌ها و توزیع عادلانه تسهیلات را عوامل کلیدی در مدیریت کسری بودجه ناشی از جنگ و بازسازی دانست که نرخ رشد تسهیلات را به ۳۱.۴ درصد رسانده است. فرزین تأکید کرد که بانک مرکزی تلاش می‌کند، نقدینگی را تدریجی و بدون انسداد پولی کنترل کند و این روندها نشان‌دهنده بازیابی اقتصاد است.

از سوی دیگر در حال حاضر هر روز به میزان ۸ هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی کشور افزوده می‌شود و واضح است که افزایش حجم پول و نقدینگی منجر به افزایش دسته جمعی قیمت کالاها و خدمات و ایجاد التهاب در بازارها و ریسک افزایش تورم به سطوح سه رقمی به دلیل کسری بودجه ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی، تحریم‌ها و ناترازی انرژی وجود دارد. با این حال، این دیدگاه با پیش‌بینی‌های اقتصاددانان و مراکز پژوهشی همخوانی ندارد و اغلب به عنوان خوش‌بینانه تلقی می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، رشد اقتصادی ۱۴۰۴ را حدود ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده که کمتر از هدف برنامه هفتم توسعه است و پاسخگوی نیازهای اشتغال و سرمایه‌گذاری نیست. افرادی که خوش‌بینی بیشتری دارند، رشد

گزارش ویژه

موفقیت تاریخی هلدینگ خلیج فارس

هلدینگ خلیج فارس در رتبه‌بندی بین‌المللی بر سکوی دوازدهم جهان ایستاد

در ترازه ترین رتبه‌بندی معتبر بین المللی، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با ۶ پله صعود توانست جایگاه دوازدهم جهانی را کسب کند.

بر اساس جدیدترین ارزیابی ICIS (معتبرترین مرجع بین‌المللی در صنعت پتروشیمی) که برای سال ۲۰۲۵ منتشر شده است، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با ارتقاء شاخص‌های عملکردی خود از قبیل: فروش، سودآوری و سرمایه‌گذاری توانست از رتبه هجدهم به جایگاه دوازدهم جهانی صعود کند.

انتظار می رود این موفقیت که برای اولین بار در تاریخ صنعت پتروشیمی ایران به نام هلدینگ خلیج فارس ثبت شد، فصل جدیدی را درعرصه جذب سرمایه گذاری، گشودن فرصت‌های جدید تولید و توسعه شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس ایجاد کند.

این شرکت در حال حاضر جایگاه دوم را میان شرکت های پتروشیمی خاورمیانه داراست و در عرصه اقتصادی ایران ضمن داشتن جایگاه اول بازار سرمایه به عنوان سودآورترین

۲-۳ درصدی و تورم ۳۵-۴۰ درصدی را محتمل می‌دانند، در حالی که در سناریوهای بدبینانه، رشد منفی و تورم تا ۵۰ تا ۷۰ درصدی را پیش‌بینی می‌کنند اغلب اقتصاددانان هشدار می‌دهند که بدون بهبود روابط بین‌المللی و گشایش سیاسی، تورم تشدید شده و رشد اقتصادی کند خواهد ماند. برخی اقتصاددانان از جمله مسعود نیلی معتقدند؛ در حال حاضر یک دوره رکود تورمی را تجربه می‌کنیم و به احتمال زیاد بعید است که رشد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ مثبت باشد و به طور قطع در سال ۱۴۰۵ ابعاد رکود تورمی بیشتر از امسال خواهد بود. رکود تورمی در این دوره از این جهت پا دو دوره قبل متفاوت است که ما در حال حاضر گرفتار ناترازی انرژی هستیم که مشکلات بنگاه‌ها را تشدید می‌کند. به همین دلیل اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند، اثر ماندگار رکود تورمی در سومین دوره می‌تواند کاهش شدید اشتغال باشد. با این توضیح به نظر می‌رسد، تحولات نگران‌کننده‌ای در



انتظار بازار کار است. اگر در گذشته شوک‌های اقتصادی به طور عمده بنگاه‌های کوچک و متوسط را از میدان خارج می‌کرد و بیکاری در مقیاسی محدود اما، پراکنده بروز می‌یافت؛ امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که حتی بنگاه‌های بزرگ صنعتی نیز در معرض خطر تعطیلی یا کاهش جدی تولید قرار گرفته‌اند. به این ترتیب بیکاری در سال‌های آینده خود را به صورت یک بحران بزرگ نشان می‌دهد و می‌تواند، ساختار سیاسی را سورپرایز کند. به عقیده ناظران اقتصاد ایران، سیاست‌های بانک‌مرکزی تغییر نکرده و بر مبنای همان سیاست‌های گذشته دنبال می‌شود اما این یک واقعیت است که بعد از اتفاق‌های مربوط به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، منابع در اختیار دولت بیش‌تر محدود و دولت با کسری بودجه بیش‌تری روبه‌رو شده‌است. بخشی از کسری بودجه طبیعی است اما همان‌طور که ایران در جنگ با اسرائیل تنها بود، در تأمین مالی هم تنهاست. اقتصاد ایران علاوه بر اینکه نمی‌تواند تأمین مالی کند، حتی به منابع خودش هم به راحتی نمی‌تواند دسترسی داشته باشد. سخت‌گیری‌ها در تأمین منابع مالی بیش‌تر شده و بعد از جنگ تحمیلی اخیر، تعهدات بیش‌تری برای دولت از ناحیه تأمین خسارت‌ها ایجاد شده است. در رقمی رسمیت نیافته دولت برای بازسازی نزدیک ۴۰۰ هزار

میلیارد تومان منابع لازم دارد در حالی که مشخص نیست از کجا باید این مبلغ را تأمین کند.

مرکز پژوهش‌ها ناترازی‌های بودجه، انرژی و بانکی را ابرچالش‌ها می‌داند که با نااطمینانی‌های ارزی، مالیاتی و تجاری همراه است و ادامه تحریم‌ها دسترسی به منابع خارجی و فناوری را محدود می‌کند. برخی پیش‌بینی‌ها سال ۱۴۰۴ را با موج تورمی شدید، گسترش فقر و بحران انرژی توصیف می‌کنند و معتقدند اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، نرخ ارز ممکن است به میزان زیادی افزایش پیدا کند که در این صورت رکود عمیق‌تر می‌شود.

راه‌حل‌های بانک مرکزی

قانون به دولت اجازه استفاده از تنخواه بودجه تا ۵/۲ درصد را می‌دهد. اگرچه این تنخواه باید تا پایان سال تسویه شود. قانون به دولت اجازه داده که در شرایط بحرانی ۲ تا ۳ درصد تنخواه بگیرد اما همین مساله می‌تواند، باعث استفاده از پایه پولی شود و همین مساله روی تورم تاثیرگذار است. فروش ۸۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق با توجه به شرایط بازار کنونی بازار سرمایه بسیار سخت است. همین مسائل و عوامل در افزایش نقدینگی به شدت تاثیر گذاشته است. بانک‌مرکزی در حال حاضر دو راه حل دارد، یا اینکه سرعت گردش پول را با سیاست‌های انقباضی کاهش دهد که همین مساله می‌تواند، باعث انسداد پول در بنگاه‌های تولیدی شود. یا اینکه با اعمال سیاست‌های انبساطی، قدرت خلق پول ایجاد کند. در شرایط کنونی که بخش خصوصی معضل نقدینگی دارد، اعمال

سیاست‌های انقباضی می‌تواند، مساله انسداد را به دنبال داشته باشد. به احتمال زیاد بانک‌مرکزی سعی می‌کند از ابزارهای مربوط به سیاست انقباضی کمتر استفاده کند اما قطعا بخشی از نقدینگی را جمع خواهد کرد. پیش فروش یک میلیون سکه به همین دلیل است. هم‌زمان فروش اوراق هم در دستور کار قرار گرفته و سیاستگذار پولی به طور ترکیبی از ابزارهای در اختیارش برای جمع‌آوری بخشی از نقدینگی اقدام می‌کند. منابع طلای بانک‌مرکزی اطمینان بخش است که می‌تواند از ذخایرش برای کاهش آثار تورمی بهره ببرد. با این وصف و با توجه به کسری شدید بودجه دولت و محدودیت و دسترسی شدید به منابع درآمدی، نمی‌تواند جلوی دولت را در زمینه افزایش هزینه‌ها بگیریم. به این ترتیب چنانکه شرح داده شد به نظر می‌رسد، پیش‌بینی محمد فرزین بر پایه آمار داخلی بانک مرکزی و سیاست‌های پولی اخیر استوار است که تمرکز بر کنترل نقدینگی، تسهیلات‌دهی و مدیریت تبعات جنگ دارد اما اقتصاددانان این را نادیده گرفتن عوامل ساختاری مانند تحریم‌های پایدار، ناترازی‌های مزمن و وابستگی به نفت می‌دانند. بدون تغییرات اساسی در تعاملات خارجی و سیاست‌گذاری داخلی، بهبود ادعایی بعید به نظر می‌رسد و رشد منفی یا کند، محتمل‌تر است.

همت متخصصان و اعتماد سهامداران بوده و نشان داد که این شرکت توانسته با بهره‌گیری از نوآوری، توسعه زنجیره ارزش، مدیریت علمی و تکیه بر سرمایه انسانی توانمند جایگاه خود را در عرصه جهانی ارتقاء دهد. وی تصریح کرد: یقین دارم با ادامه این مسیر روشن و آینده‌نگر، دستیابی به جایگاه‌های برتر جهانی در افق پیش‌رو دور از دسترس نخواهد بود.



بازگشت پزشک خانواده

وزیر بهداشت از اجرای دوباره برنامه ملی پزشک خانواده و نظام ارجاع کشوری خبر داد

گروه اجتماعی: دیروز محمدرضا ظفر قندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست و بیناری روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی اعلام کرد که برنامه ملی پزشک خانواده و نظام ارجاع به صورت کشوری آغاز شده است. او تأکید کرد که این برنامه نباید مانع پیشرفت فعالیت‌های دیگر وزارت بهداشت شود و باید به عنوان اصلاحی ساختاری برای جلوگیری از هدررفت منابع و رفع بی‌عدالتی در نظام سلامت دیده شود. وزیر گفت: «پزشک خانواده باید احترام و امکانات سلامتی را به دورترین نقاط کشور برسد و همه مردم، از روستایی تا شهری، از این خدمات بهره‌مند شوند». ظفر قندی افزود که وزارت بهداشت مدت‌هاست با هماهنگی هیات دولت در پی تأمین منابع مالی بوده و برای اجرای این طرح، پیگیر فروش بخشی از سهام شرکت‌های دولتی است. او یادآور شد که کار کارشناسی گسترده‌ای در معاونت‌های بهداشت، درمان و توسعه انجام شده و اجرای برنامه با یک سناریوی مشخص آغاز خواهد شد. به گفته او، دانشگاه‌ها باید اجرای آزمایشی برنامه را از بخشی از شبکه آغاز کنند و به تدریج گسترش دهند. وزیر بر اهمیت حمایت از نیروی انسانی تأکید کرد و گفت، افزایش کارانه‌ها و تقویت ظرفیت‌های رای‌تری کادر درمان در حال برنامه‌ریزی است. ظفر قندی با اشاره به اینکه کشور در میان «نه جنگ و نه صلح» قرار دارد، تأکید کرد که در کنار اجرای برنامه پزشک خانواده نباید از آمادگی برای شرایط اضطراری و ذخایر استراتژیک غافل شد. او همچنین گفت، قرار است عملیات ارجاع، نسخنه‌یوسی و نوبت‌گیری به صورت الکترونیک اجرا شود تا کیفیت خدمت‌رسانی افزایش یابد.

ادامہ تیتریک

سابقه طرح پزشک خانواده

ایده پزشک خانواده در ایران سابقه‌ای بیش از دو دهه دارد. در اوایل دهه ۱۳۸۰ در چارچوب برنامه‌های توسعه کشور، طرحی برای ارائه خدمات اولیه سلامت به روستاییان و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر اجرا و حدود ۲۰ میلیون دفترچه نظام ارجاع صادر شد. در پی آن دولت‌های بعدی طرح را به عنوان پایلوت در استان‌های فارس و مازندران به اجرا گذاشتند. با وجود آنکه نتایج این پایلوت هرگز منتشر نشده این دو استان به عنوان نمونه‌هایی از اجرای پزشک خانواده معرفی شدند.

در قانون برنامه توسعه چهارم و بعد از قوانین برنامه‌های پنجم و ششم توسعه نیز بر ضرورت اجرای پزشک خانواده و نظام ارجاع تأکید شد. هدف از این طرح، کاهش مراجعه‌های غیرضروری به پزشکان متخصص، ارتقای سلامت عمومی و کنترل هزینه‌ها بود. با این حال در دولت‌های یازدهم و دوازدهم اجرای این طرح کنار گذاشته شد. دکتر حسن هاشمی، وزیر وقت بهداشت با اشاره به نبود زیرساخت‌های کافی و مشکلات بودجه‌ای، «طرح تحول سلامت» را در اولویت قرار داد؛ طرحی که شامل نوسازی بیمارستان‌ها و افزایش تعرفه‌ها بود.

چرا به سرانجام نرسید؟

تحلیل‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که چندین عامل مانع تحقق کامل این طرح شده است. نخست، نبود زیرساخت‌های الکترونیک - سامانه پرونده الکترونیک سلامت به شکل گسترده رانده‌اندازی نشده و این باعث شده، اجرای منسجم نظام ارجاع با مشکل مواجه شود. در بسیاری از مناطق، پزشکان

کسانی که می مانند و خودکشی می کنند

بر خلاف تصور عمومی که همه پزشکان و پرستاران می‌روند، برخی به دلیل محدودیت‌های مالی، خانواده یا تعهد اخلاقی می‌مانند. اما آن‌ها نیز در معرض استرس شدید و فرسودگی قرار دارند. طی سال گذشته دست‌کم ده رزیدنت پزشکی در ایران اقدام به خودکشی کردند و برخی جان خود را از دست دادند. دکتر مهران خسرونیان پیش از خودکشی در شبکه‌های اجتماعی نوشت که بدهی‌های سنگین و فشار کاری او را به بن‌بست رسانده است. انجمن روان‌پزشکی ایران هشدار داد که ادامه این روند می‌تواند به فروپاشی نظام سلامت منجر شود.

شرایط کاری بسیار نامناسب

محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستاران در بنیابه به سازندگی می‌گوید: نخبه‌های پزشکی که از طریق کشور وارد رشته‌های پزشکی می‌شوند، در واقع به عنوان نخبگان علمی در جامعه شناخته می‌شوند. آن‌ها با آینده‌ای روشن و امید به تغییر وضعیت به نظام آموزشی و بهداشتی کشور وارد می‌شوند، اما به سرعت متوجه می‌شوند که فضای موجود در این نظام با انتظارات و آرزوهای آن‌ها تفاوت بسیاری دارد. یکی از دلایل اصلی مهاجرت این نخبگان این است که پس از ورود به دانشگاه‌ها و گذراندن سال‌های تحصیل، چشم‌انداز شغلی مناسبی برای آینده خود در کشور نمی‌بینند. بسیاری از دانشجویان پزشکی و پرستاری که به‌ویژه در دانشگاه‌های بزرگ کشور پذیرش شده‌اند، به این نتیجه می‌رسند که پس از فارغ‌التحصیلی باید به پزشک عمومی تبدیل شوند یا وارد رشته‌های پرستاری و مامایی شوند. اما وقتی این افراد به بررسی آینده شغلی خود در کشور پرداخته و به وضعیت نامناسب این حرفه‌ها توجه می‌کنند، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. او ادامه می‌دهد: یکی از مهم‌ترین دافع‌های موجود در کشور، مشکلات اقتصادی و شرایط کاری نامناسب است. پزشکان و پرستاران در ایران به‌رغم تحصیلات بلندمدت و تخصصی، از درآمد مناسبی برخوردار نیستند. در حالی که یک پرستار ایرانی ممکن است در ماه تنها حدود ۲۰۰ دلار درآمد داشته باشد، می‌تواند در کشورهای مقصد مانند کشورهای اروپایی، آمریکا یا استرالیا تا چهار برابر این میزان درآمد داشته باشد. این تفاوت در درآمد، انگیزه بزرگی برای مهاجرت ایجاد می‌کند. برای بسیاری از فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی، پرستاری و مامایی، شرایط شغلی در کشور پس از فارغ‌التحصیلی مناسب نیست. علی‌رغم این که آگهی‌های استخدامی برای پرستاران و پزشکان منتشر می‌شود، بسیاری از فارغ‌التحصیلان از پذیرش در آزمون‌های استخدامی خودداری می‌کنند. این نشان‌دهنده این است که شرایط برای استخدام در این حرفه‌ها نه تنها دشوار، بلکه غیرجذاب نیز است. بسیاری از پرستاران بعد از فارغ‌التحصیلی متوجه می‌شوند

هنوز به صورت دستی ارجاع‌نامه می‌دهند و مردم به خاطر نبود پرونده الکترونیک، نمی‌توانند به راحتی خدمات یکپارچه دریافت کنند.

دوم، فرهنگ مراجعه مستقیم به پزشک متخصص، بسیاری از مردم به مراجعه مستقیم به متخصص عادت کرده‌اند و این عادت به سختی تغییر می‌کند. پزشکان متخصص نیز به دلیل نگرانی از کاهش درآمد و کاهش مراجعه بیماران نسبت به اجرای نظام ارجاع از طریق پزشک خانواده مقاومت دارند. به گفته برخی کارشناسان، اجرای نادرست یا ناقص این طرح می‌تواند، منابع گروه‌های خاصی را به خطر بیندازد و با مخالفت‌هایی از سوی آنها همراه شود.

عامل مهم دیگر، مسائل مالی و انگیزه پزشکان است. عضو هیات‌مدیره انجمن پزشکان عمومی فارس توضیح می‌دهد که سرنه پرداختی پزشکان خانواده برای سال‌ها ثابت مانده و حتی در بعضی دوره‌ها کاهش هم یافته است؛ این باعث شد بسیاری از پزشکان و پرستاران به خصوص در استان‌های پایلوت از برنامه خارج شوند. او اشاره می‌کند که در برخی دوره‌ها، مدیران میانی نسبت به این برنامه بی‌تفاوت یا حتی مخالف بودند. همچنین نظام بیمه‌ای چندپایه ایران و تفاوت تعرفه‌ها در بخش‌های دولتی و خصوصی، دریافت حق‌الزحمه پزشکان را دشوار کرده است. حسن آذری‌پور، متخصص مدیریت سلامت، می‌گوید رابطه مالی بیمار و پزشک در این طرح قطع می‌شود و پزشکان باید حق‌الزحمه

که حتی اگر وارد سیستم کاری شوند، ممکن است به طور موقت استخدام شوند و شرایط کاری برای آنان نامناسب باشد.

دستمزد عمل آپاندیس؛ زیر دو میلیون تومان

علی سلحشور، رئیس روابط عمومی سازمان نظام پزشکی نیز در گفت‌وگو با سازندگی معتقد است که: یکی از مهم‌ترین عوامل تصمیم‌گیران برای مهاجرت، کاهش «امید به آینده» شغلی است. بسیاری از دانشجویان پزشکی از ابتدای دوران تحصیل به امید داشتن شغل بهتر و شرایط مناسب‌تر، شروع به تکمیل رزومه تحقیقاتی می‌کنند. این روند در بسیاری از موارد باعث می‌شود که آن‌ها در آینده به مهاجرت فکر کنند.

پس از فارغ التحصیلی، برخی پزشکان به دلیل مشکلات اقتصادی، عدم توازن بین مسئولیت‌ها و درآمد، به فکر مهاجرت می‌افتند. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که پیش از ورود به تخصص، مسیر مهاجرت را آغاز کنند. طبق گفته‌های رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی، از میان حدود ۱۰۰ هزار پزشک عمومی، بیش از ۳۰ هزار نفر از آنان در حال حاضر در حوزه پزشکی فعالیت نمی‌کنند. این نشان‌دهنده ناکامی در جذب و نگهداری پزشکان در داخل کشور است. پزشکان پیش از این به سختی‌های این رشته آگاه بودند و امید داشتند که بعد از سال‌ها تحصیل و تخصص، درآمد خوبی کسب کنند که جبران سختی‌های مسیر را بکند. اما اکنون بسیاری از آن‌ها در پایان این مسیر، با درآمدهایی که به هیچ وجه با توقعاتشان همخوانی ندارد، مواجه هستند. نمونه‌ای از این مشکل، دستمزد پزشک جراح برای انجام عمل جراحی آپاندیس است. این پزشک پس از گذراندن سال‌ها تحصیل و تخصص، برای انجام یک عمل جراحی، کمتر از دو میلیون تومان دریافت می‌کند و این مبلغ تا ۱۰ ماه بعد پرداخت می‌شود. این وضعیت باعث می‌شود که پزشکان به فکر مهاجرت بیفتند. علاوه بر این، وقتی اعتراضات و مطالبات آن‌ها نادیده گرفته می‌شود و برخوردهای نامناسبی با آن‌ها صورت می‌گیرد، انگیزه بسیاری از پزشکان برای ادامه کار در کشور کاهش می‌یابد.

با این حال، تنها ۱۰ درصد از پزشکان درآمد‌های بالایی قابل توجه دارند و بیشتر آن‌ها به دلیل تعرفه‌های پایین دولتی مجبور به پذیرش زیرمیزی می‌شوند. اگر دولت تعرفه‌های عادلانه و مناسب‌تری برای این شغل تعیین نکند، روند مهاجرت پزشکان ادامه خواهد داشت. کشورهای دیگر به راحتی نخبگان پزشکی را جذب می‌کنند و فرآیندهای ساده‌ای برای پذیرش آن‌ها دارند. در حالی که در کشور ما، فرآیندهای اداری و استخدامی پیچیده و زمان‌بر است و باعث از دست دادن نخبه‌ها می‌شود. سرمایه‌گذاری در نخبگان باید بلندمدت باشد، چرا که تربیت یک پزشک متخصص با فوق تخصص، حداقل ۱۷ سال زمان می‌برد. در صورتی که از این نخبگان حمایت نشود، کشور با بحران کمبود پزشک مواجه خواهد شد و این یک سرمایه‌گذاری بزرگ برای کشور است که باید از آن محافظت شود.

خود را از بیمها دریافت کنند؛ اما پرداخت‌های دیر هنگام و چند
تخری بودن تعرفه‌ها، انگیزه پزشکان را کاهش داده است.
همچنین برخی منتقدان می‌گویند: «جریان پزشک‌سالار»
در وزارت بهداشت، مانع اصلی اجرای این طرح بوده است.
در واقع برخی ذی‌نفعان مایل نیستند، بیمار ابتدا به پزشک
خانواده مراجعه کند و ترجیح می‌دهند، نظام پرداخت «فی
فوز سرویس» که در آن پرداخت به ازای تعداد خدمات انجام
می‌شود، ادامه یابد. این تضاد منافع باعث شده که اجرای طرح
پزشک خانواده با مقاومت‌هایی روبه‌رو شود.

با وجود این مشکلات، بسیاری از کارشناسان معتقدند که اگر زیرساخت‌های الکترونیک راه‌اندازی، منابع مالی پایدار تأمین و نظام تعرفه‌ها یکسان شود، اجرای پزشک خانواده می‌تواند از مراجعه‌های غیرضروری به متخصصان جلوگیری و عدالت در دسترسی به خدمات سلامت را افزایش دهد. برنامه جدید وزارت بهداشت که از امروز اجرا شده است، وعده می‌دهد عملیات ارجاع، نسخه‌نویسی و نوبت‌گیری به شکل الکترونیک و منسجم انجام شود و پس از اجرای آزمایشی به سایر استان‌ها گسترش یابد. تحقق این وعده‌ها، نیازمند حمایت مجلس در تأمین بودجه و همراهی بیمه‌ها و جامعه پزشکی است. اگر همه ارکان همکاری کنند، می‌توان امید داشت که پزشک خانواده پس از دو دهه بالاترکلفی، بالاخره جای خود را در نظام سلامت کشور پیدا کند و منجر به ارتقای کیفیت زندگی مردم شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون
و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون
تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

الف: ۶۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول روز سه شنبه ۱۴۰۴/۶/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۶/۲۶

مہناز جہانفر
رئیس ادارہ ثبت اسناد و املاک آق قلا

 @saazandeginew
 saazandeginew
 www.saazandegi.i

سازندگی
@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۹۰

جمعه ۵ اسفند

شدت یافتن انتفاضه در فلسطین

در منزل بودم. وقت با مطالعه گذشت. ظهر بچه‌ها جمع بودند و کارگرمایان محمدتقی و پسرش آمدند. مقداری از اوضاع بهرمان و کارهای آنجا گفت. سرشب محمد لاهوتی، [داماد فاطمی] آمد. از تغییرات در [سازمان عمران] کیش با مدیریت جدید گفت. معتقد است، مدیر جدید چپ‌گرا نیست.

اخبار را از روی تلکس‌های کامپیوتر خواندم. نخست‌وزیر انگلستان و دولت آمریکا، هماهنگ علیه صدام و دولت عراق حرف زده‌اند و تصمیم به فشار بیشتر را اعلان کرده‌اند. در عکس‌العمل به اعتراضات زیاد در مورد بمباران اخیر عراق پذیرفته‌اند، موشک‌های جدید نیروی دریایی آمریکا در عراق امتحان خوبی نداده است و تونی بلر، [نخست‌وزیر انگلیس] بار دیگر اعتراف به متجاوز بودن عراق در جنگ علیه ایران و نیز کاربرد سلاح شیمیایی علیه مردم گرد در حلبچه کرده است.

در فلسطین، انتفاضه شدت یافته و بر تعداد حملات متقابل بین مردم فلسطین و اسراییل افزوده شده و [آریل شارون، [رهبر حزب لیکود] در راه تشکیل دولت ائتلافی توفیقی به دست نیاورده و اعلان شده، وضع اقتصادی اسراییل بد است و ۶۲ هزار نفر اخیراً بیکار شده‌اند.

در ترکیه، بحران اقتصادی شدید شده؛ با شناور شدن لیر ترک، نرخ یک دلار به یک میلیون و ۲۵۰ هزار لیر رسیده است. ۲۶ سال پیش یک دلار معادل ۱۴ لیر بود. اعلان شده، مردم ترکیه با تضعیف جدید لیر، یک‌باره ۳۰ درصد فقیر شده‌اند.

در رسانه‌های داخل و خارج، موضوع مقاله بُد هفته‌نامه فیضیه، علیه شخص آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رییس‌جمهور] مورد بحث است و بیانیه‌هایی در مورد انتقاد از اهانت به رییس‌جمهور و اهانت به مجلس از سوی [روزنامه] کیهان و اهانت به دانشگاه‌ها در پی مصوبه مجلس در خصوص منع ورود نیروهای مسلح به دانشگاه صادر می‌شود. در نمازجمعه امروز به مسأله زنان بی‌حجاب در همایش ضدنژادپرستی [وزارت امورخارجه] توجه شده است.

شنبه ۶ اسفند

مخالفت عسکراولادی با خاتمی

مجمع [تشخیص مصلحت نظام] جلسه داشت. درباره کلیات سیاست‌های کلی امنیت ملی بحث بود. آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رییس‌جمهور] مطالب مفصلی گفت که بخشی از آن مورد اعتراض آقای [حسن] صانعی و آقای [حبیب‌الله] عسکراولادی قرار گرفت. آقای [بیژن نامدار] زنگنه، [وزیر نفت] آمد و گفت، ژاپنی‌ها گفته‌اند که ترکیب کابینه جدید آمریکا، خالی از یهودی است و نشان از سیاست معتدل آنها در خاورمیانه است و احتمالاً توجه بیشتری به ایران داشته باشند. آقای ابراهیم امینی، [رییس دبیرخانه مجلس خبرگان] آمد و گفت، پیشنهاد تشکیل جلسه فوق‌العاده و غیررسمی [مجلس] خبرگان، می‌تواند مشکلات داشته باشد و معلوم نیست، مسأله‌ای را حل کند؛ قرار شد قبل از عید اقدام نشود. گفت، آقای سیداحمد خاتمی، [نماینده استان کرمان] از هیأت تحقیق استعفا داده به خاطر اینکه کار جدی نمی‌توانند، انجام دهند. ناهار میهمان من بودند.

عصر، آقای حسین حاج عبدالوهاب [معروف به] حاج اسدالله بُکدار آمد. مقداری صحبت‌های نصیحت‌گونه در مورد ولایت و تقوا داشت. کاری نداشت، برای دیدار آمده بود. هم‌زمانی قبل از انقلاب است. قرآن به ایشان هدیه کردم. آقای [عطاالله] مهاجرانی، [رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها] آمد. درباره گفت‌وگوی تمدن‌ها و مسئولیت جدید دولت صحبت کرد و گفت، در حد ساختن فضای مناسب همکاری می‌تواند مفید باشد. گفت، رهبری در ملاقات اخیرشان با کمیسوین فرهنگی مجلس، انتقاد شدیدی از او کرده‌اند و توسط آقای [سیدعلی اصغر] حجازی به رهبری پیغام داده که مایل است با رهبری ملاقات کند و توضیح بدهد یا با نامه توضیح بدهد.

بازگشت به خانه‌های فراموش شده

قصه آدم‌ها و خانه‌ها، دو روایت موازی‌اند که تنها در کنار هم معنای کامل پیدا می‌کنند

گرفته تا جنگ و مهاجرت روایت می‌شود و مایه‌های صدای خانه‌ها، میدان‌ها و نشانه‌های معماری را هم می‌بینیم. این روند در کارهای تازه‌تر هم ادامه یافت. سووشون که برگرفته از شاهکار سیمین دانشور و ساخته نرگس آبیاری است وعده می‌دهد که هم قصه مقاومت و ایستادگی مردم شیراز را روایت کند و هم کوچه‌های باریک، خانه‌های اندرونی و عمارت‌های این شهر را به حافظه تصویری ما بازگرداند. بامداد خمار دیگر سریال خانم آبیاره‌م‌چون سووشون که به زودی نمایش آن آغاز خواهد شد، بازگشتی به تاریخ و ادبیات است که در کنار قصه عاشقانه، کاخ‌ها، باغ‌ها، خانه‌های قدیمی و سبک زندگی خان‌ها و اعیان و مردم فقیر کوچه و بازار را به تصویر می‌کشد. دو سریال تبریز در مه و خاتون نیز همچون داستان سووشون، جنگ جهانی و اشتغال ایران را نه فقط از منظر سیاست

که از دل خانه‌ها دنبال می‌کنند. اما اگر سووشون در خانه‌ها و فضاهای تاریخی شیراز روایت می‌شود، خاتون خانه‌های شمال و تبریز در مه، بازار سنتی و جهانی تبریز را بازآفرینی می‌کند؛ مکان‌هایی که فقط نام تاریخ بر در دیوارهایشان مانده است. در واقع سریال‌های تاریخی کارکردی دوگانه دارند. از یک سو تاریخ را از زبان شخصیت‌ها و روایت‌ها زنده می‌کنند و از سوی دیگر میراث فرهنگی و معماری را احیا می‌کنند. پس امروز اگر پای سریال‌های شبکه خانگی بنشینید و سریال‌های تاریخی را تماشا کنید، پیش از آنکه درگیر سرنوشت شخصیت‌ها شوید، خود را در خانه‌ای قدیمی بازسازی شده می‌یابید؛ در ایوانی با ستون‌های چوبی، حوضی پر از ماهی قرمز، یا در کوچه‌ای سنگفرش شده که سایه درختان توت بر دیوارش افتاده است. صدای سماور، بوی نان تازه و لهجه‌های گوئیگون، گذشته را نه در کتاب که در برابر چشم زنده می‌کنند.

البته در دل هر سریال تاریخی، لوکیشن‌ها همان قدر اهمیت دارند که داستان و البته بازیگران. برخی از کارگردانان از ابتدا بنایی نو را می‌سازند و می‌آرایند تا بسوی تاریخ بگرد و برخی نیز به سراغ بناهای قدیمی می‌روند. همین توجه باعث شده است که کارگردانان نه تنها روایتگر تاریخ باشند بلکه به نوعی حامی میراث فرهنگی نیز عمل کنند. استفاده از خانه‌ای قاجاری، ایوانی صفوی یا بازارچه‌ای قدیمی، خود به اندازه یک شخصیت نقش‌آفرینی می‌کنند. بسیاری از این خانه‌ها و بناها در طول سالیان بسیار به دلایلی از جمله عدم توجه مدیران دولتی همچنن عدم بودجه مناسب رو به تخریب رفته و آسیب‌های جدی دیده‌اند. در شهرهای مختلف متأسفانه بسیاری از ادارات و افراد بدون توجه به این بناها روی آنها عکس می‌جسبایند و یادگاری می‌نویسند. در کشوری که شمار خانه‌های تاریخی روزی‌به‌روز کمتر می‌شود، مراقبت از این مکان‌ها باید بخشی جدی از تولید سریال‌ها باشد.

در جهانی که ساختمان‌ها به سرعت تخریب و جای‌شان را برج‌ها می‌گیرند، این قاب‌های تصویری تنها سندی است که باقی می‌ماند. ششما وقتی هزارستان، سووشون یا امیرکبیر را تماشا می‌کنید، تنها با مبارزات دل‌شکستگی یا شجاعت شخصیت‌ها روبه‌رو نیستید؛ باغ عفیف‌آباد شیراز، خانه نصیرالملک، خانه شوریده، کاخ گلستان، بازارچه‌های تهران و شکوه کوچه‌های تاریخی هم پیش چشمتان زنده می‌شوند. تصویری که نه فقط روایتگر گذشته است که هشدار و یادآوری برای امروز است که میراث فرهنگی و انسانی ما از هم جدایی‌ناپذیرند.

ایسین قاب‌ها سا را به سفری می‌برند که در آن تاریخ و معماری، انسان و فرهنگ، همه درهم تنیده‌اند. در دورانی که پلدوزرها هر روز تکه‌ای از حافظه شهری را پاک می‌کنند شاید همین سریال‌ها، آخرین پنجره‌هایی باشند که به روی گذشته گشوده می‌شوند و تماشاگر بی‌آنکه بخواهد با هر پلان به یاد می‌آورد که تاریخ نه فقط قصه آدم‌ها که قصه خانه‌ها و کوچه‌ها نیز هست؛ میراثی که اگر فراموش شود، گویی بخشی از خود ما پاک شده است.

شاید تقدیر حرفه‌ای مرا از گزارشگر کوچه پس کوچه‌های میراث فرهنگی به میدان‌های سیاست کشانده باشد اما هر دو مسیر به یک حقیقت واحد ختم می‌شوند که آن تاریخ ایران است. آنچه روزی از ستون‌های ایوان و کاشی‌های فیروزه‌ای گزارش می‌کردم، امروز در سرنوشت مردان و زنانی می‌بینم که از همان خانه‌ها برخاستند و سیاست و فرهنگ را شکل دادند. ۳۰ سال پیش میراث فرهنگی را روایت می‌کردم و امروز میراث سیاسی و انسانی را؛ اما دریافته‌ام که ایسین دو از هم جدایی‌ناپذیرند. قصه آدم‌ها و قصه خانه‌ها، دو روایت موازی‌اند که تنها در کنار هم معنای کامل پیدا می‌کنند. دورین وقتی بر دیوار آجری یک خانه یا بر چهره یک قهرمان می‌نشیند، در واقع همان حقیقت را بازگو می‌کند که مین خبرنگار پس از سه دهه به آن رسیده‌ام؛ ایران، ترکیب جدانشدنی مکان و انسان است؛ اگر یکی را از یاد ببریم، دیگری نیز بی‌ریشه خواهد شد.

قصه صدراعظمی اصلاح‌گر نبود بلکه سریالی بود که شکوه کاخ‌های ناصری و تالارهای سلطنتی را دوباره به تصویر کشید. دو سریال تنگ سریر و پهلوانان نمی‌میرند، قصه کوچه‌ها و زورخانه‌ها را که بخشی از هویت شهری هستند، پیش چشم بینندگان گذاشت. سریال شهرزاد با یک روایت عاشقانه در بستر کودتای ۲۸ مرداد، تهران دهه ۳۰ را برای ما بازسازی کرد؛ خانه‌های آجری، سینماها و کافه‌ها که امروز بیشترشان یا فراموش شده‌اند یا زیر غبار شهر سیمانی تهران جدید مدفون‌اند. کیف انگلیسی هم با قصه‌ای سیاسی از دل همان دهه‌ها، نقش فرهنگ و سنت را در آمیختگی با سیاست نشان داد. وقتی بیننده سرزمین کهن یا کیمیا را می‌بیند، تنها دنبال قصه یک خانواده یا سرنوشت یک زن نیست. در پس آن داستان‌ها، بخشی از تاریخ اجتماعی معاصر یا داستان شهرها در کنار مبارزات



لوکیشن سریال دایی‌جان ناپلئون



لوکیشن سریال هزارستان



لوکیشن سریال شهرزاد



لوکیشن سریال سووشون